

نامشان را می شنیدند بر خود می لرزیدند. <sup>۱۳</sup> آنانی را که می خواستند برای سلطنت کردن کمک کنند سلطنت می کردند، اما هر که را می خواستند مقرر می داشتند: آنان در اوج قدرت بودند. <sup>۱۴</sup> علی رغم همه اینها، هیچ یک از میان آنان بر خود دیهیم ننهادند و برای عظمت بخشیدن به خود ارغوان برتن نکرده بودند. <sup>۱۵</sup> آنان مجلس سنائی تشکیل داده که هر روز سیصد و بیست عضو با هم در آن جا مشاوره می کردند و برای ایجاد نظم <sup>۹</sup> دائماً مشغول کار مردم بودند. <sup>۱۶</sup> هر سال بار مسؤلیت حکمرانی و تسلط بر همه کشور را بر عهده یک نفر <sup>۲</sup> می نهادند، همه تنها از وی اطاعت می کردند و بخل و حسد در میان آنان وجود نداشت.

### پیمان یهودیان با رومیان

<sup>۱۷</sup> یهودا اوپولم <sup>۸</sup> پسر یوحنا، پسر <sup>۲</sup> مک ۱۱:۴ هفوص <sup>۱</sup>، و یاسون پسر ایلعازر را برگزیده آنان را به روم فرستاد تا پیمان دوستی منعقد کنند. <sup>۱۸</sup> و یوغ را از دوش آنان بردارند زیرا می دید که حکومت یونانیان بنی اسرائیل را به بردگی <sup>۱۱</sup> می کشاند. <sup>۱۹</sup> آنان به سوی روم حرکت کردند و

شکسته شده بود. <sup>۷</sup> وی را زنده دستگیر کرده، او و جانشینان تخت و تاجش را مجبور کردند خراجی سنگین پرداخته، گروگان <sup>m</sup> را آزاد ساخته و تسلیم شوند. <sup>۸</sup> و سرزمین هند، ماد <sup>n</sup>، لیدیه، برخی از زیباترین استان هایش را به وی تسلیم کنند و پس از دریافت آنها از وی، آنها را به پادشاه «لاونتیس <sup>o</sup>» سپردند. <sup>۹</sup> پادشاهان یونان تصمیم گرفته بودند آنها را از بین ببرند <sup>۱۰</sup> و رومیان موضوع را دانسته در برابر آنان تنها یک سردار فرستادند، آنها با ایشان جنگیده و از میان آنان بسیاری زخم های مهلک برداشتند، به مرگ در افتادند. زنان و کودکانشان را به اسارت بردند، اموالشان را غارت، کشورشان را مطیع، دژهایشان را خراب کردند و خود آنان را به بردگی کشیدند که تا به امروز <sup>p</sup> دوام یافته است.

<sup>۱۱</sup> دیگر قلمروها و جزایر، همه کسانی که در برابرشان مقاومت کرده بودند، همه را ویران کرده به بردگی کشانده بودند. اما با دوستانشان و با کسانی که به آنها تکیه کرده بودند، دوستی شان را حفظ کرده بودند. <sup>۱۲</sup> پادشاهان نزدیک را مطیع کردند و پادشاهان دور دست و همه کسانی که

m. در واقع بعدها موفق به فرار از دست فاتحان شد.

n. هند و ماد: ممکن است در متن اشتباهی رخ داده و منظور ایونی (Ionie) و میسی (Mysie) باشد.

o. شوالیه لاونتیس دوم پرگام (پرغاموس) در پیروزی رومیان نقش مهمی بر عهده داشت.

p. در این آیات ستایش روملین که به تاریخ ۱۶۰ ق.م انجام شده، تاریخ ۱۴۶ ق.م ادامه دارد، یعنی تاریخ انقیاد یونان به صورت استانی رومی.

q. نویسنده در برابر اقدامات شرقی رومیان جبهه می گیرد و بیشتر به آرمان گرائی مکابی رو می آورد.

r. ولی در واقع قدرت در دست دو کنسول متمرکز بود.

s. امکان دارد غرض یکی از نویسندگان تاریخ پادشاهان یهودیه باشد که توسط یوسفوس و اوزیبوس نیز روایت شده اند.

t. خانواده کهناتی هفوص در ۱-۲۴:۱۰ شناخته شده است.

u. اجیر کردن اسرائیل به بردگی، سبک عبری: ر.ک. حرق ۱۸:۲۹.

نخواهد شد: این چنین روم تصمیم گرفته است و به این تعهدات پای بند خواهد بود و در این خدعه ای نیست.<sup>۲۹</sup> رومیان با این عبارات با قوم یهود<sup>۳۰</sup> قرار گذاشتند<sup>۳۰</sup> اگر در ادامه، ایشان یا آنان تصمیم به افزودن یا کاستن چیزی بگیرند، به میل خود عمل خواهند کرد و آنچه کم یا زیاد کرده اند معتبر خواهد بود.<sup>۳۱</sup> «اما درخصوص زیان هایی که دیمیتریوس پادشاه علیه آنان روا داشته است، این چنین نوشته ایم: چرا می گذاری یوغ<sup>۳۲</sup> تو بر یهودیان، دوستان و متفقین ما سنگینی کند؟<sup>۳۲</sup> اگر باز هم از تو شکایت کنند ما عدالت را درباره آنان<sup>a</sup> به جای آورده با تو در دریا و در زمین خواهیم جنگید.»

### نبرد بئرزیت و مرگ یهودا مکابی

**۹** <sup>a</sup> با وجود این، دیمیتریوس وقتی دانست که نیکانور و لشکرش در جنگ<sup>b</sup> از پای درآمده اند، بکیدس و الکیمس و با آنان جناح راست لشکر را باز به سرزمین یهودیه اعزام داشت.<sup>۲</sup> آنان به سوی جلیل روانه شدند و در مشالوت<sup>c</sup> در ناحیه اربل موضع گرفته، حمله را آغاز کردند و باعث نابودی زندگی تعداد بی شماری از انسان ها شدند.<sup>۳</sup> در نخستین

مسافرتی بسیار طولانی بود. با وارد شدن به سنا رشته سخن را به دست گرفته چنین گفتند: <sup>۲۰</sup> «یهودا، معروف به مکابی، برادرانش و قوم یهود ما را به سوی شما فرستاده اند تا با شما پیمان صلح منعقد کنیم و در شمار متفقین و دوستان شما محسوب گردیم.»<sup>۲۱</sup> موضوع، رومیان را خوش آمد<sup>۷</sup>.<sup>۲۲</sup> و اینک رونوشت نامه ای که آنها بر الواح مفرغین حک کردند و به اورشلیم فرستادند تا در نزد یهودیان یادبودی از صلح و اتحاد باشد:

<sup>۲۳</sup> «سعادت با رومیان و با ملت یهود بر روی دریا و بر زمین جاودانه باد! از آنان شمشیر و دشمن دور باد!<sup>۲۴</sup> اگر اول برای روم یا هر یک از متفقین وی در سراسر گستره قلمرویش جنگی پیش آید<sup>۲۵</sup> ملت یهود برابر شرایطی که ایجاب کند با تمام قلب<sup>w</sup>، برای آنان خواهد جنگید.<sup>۲۶</sup> به دشمنان آنان گندم، سلاح، نقره و کشتی داده و فراهم آورده نخواهد شد: روم این چنین تصمیم گرفته است، و به تعهدات خود بدون این که چیزی در مقابل آن بگیرد پای بند خواهد ماند<sup>۲۷</sup> همچنین، اگر اول برای ملت یهود جنگی پیش آید، رومیان همراه آنان با تمام روح خود برابر شرایطی که ایجاب کند خواهند جنگید.<sup>۲۸</sup> به مهاجمان<sup>x</sup> گندم، سلاح، نقره و کشتی داده

V- موضوع این سفارت هیئت نمایندگی احتمالاً مربوط به سال ۱۶۱ ق.م بوده است.

W- با تمامی قلب، سبک عبری: ر.ک. ۲- پاد ۳:۲۰؛ ۱- تو ۹:۲۹ و غیره.

X- متفقین (علیه بنی اسرائیل؟).

Y- به زبان یونانی Demos در اینجا و در ۶:۲۱؛ ۱۴:۲۰-۲۳، منظور قوم به معنای سیاسی است و نه نژادی.

Z- سبک عبری: ر.ک. ۲- تو ۱۰:۱۰ و غیره.

a- حق را برایشان به جای خواهیم آورد، سبک عبری: ر.ک. پید ۱۸:۲۵؛ تث ۱۰:۱۸.

b- دنباله ۷:۵۰.

c- در غرب دریاچه طبریه.

۱۱ لشکر دشمن از اردو حرکت کرده برای برخورد با آنان توقف نمود. آسواران به دو دسته تقسیم شده بودند، تیراندازان و کمان‌داران در جلوی لشکر راه می‌رفتند و در صف اول همه دلاوران بودند، بکیدهس در جناح راست بود. ۱۲ سپاهیان فیل‌ها از دو سوی به صدای کرنا پیش آمدند. افراد یهودا نیز در کرناها دمیدند. ۱۳ و با غریبوش لشکریان زمین به لرزه درآمد. نبرد که صبح شروع شده بود تا شامگاه ادامه یافت. ۱۴ یهودا دید که بکیدهس و قوی‌ترین لشکریانش در جناح راست می‌باشند و در اطراف وی همه افراد قلب لشکر جمع شده‌اند، ۱۵ جناح راست توسط آنان در هم شکست و وی آنان را تا پای کوه عزرا<sup>۱۶</sup> تعقیب کرد. ۱۶ افراد جناح چپ وقتی دیدند که جناح راست در هم شکسته از پشت سر یهودا و همراهانش تاختند. ۱۷ نبرد بی‌رحمانه بود<sup>k</sup> و بسیاری با زخم‌های مهلک به این سو و آن سو افتادند. ۱۸ یهودا نیز افتاد و بقیه فرار کردند. ۱۹ یوناتان و شمعون، یهودا برادرشان را ۷۰:۲ برده در مقبره پدرانشان در مودین به خاک سپردند. ۲۰ همه بنی اسرائیل بگریستند و بر

ماه از سال صد و پنجاه و دو<sup>d</sup> نزدیک اورشلیم موضع گرفتند، ۴ و بعد با بیست هزار مرد پیاده و دو هزار سوار حرکت کرده به بئرزیت<sup>e</sup> رفتند. ۵ یهودا در العاسه<sup>f</sup> موضع گرفت و با خود سه هزار مرد برگزیده داشت. ۶ با دیدن تعداد بی‌شمار نیروی دشمن، ترسیدند؛ بسیاری بیرون از اردو گریخته و بیش از هشت هزار مرد باقی نماند. ۷ یهودا دید که لشکریانش زائل شده‌اند درحالی که جنگ قریب‌الوقوع بود، او دل شکسته شد زیرا دیگر وقتی برای گردآوری همراهانش نداشت. ۸ خود را متزلزل احساس کرد اما به کسانی که باقی مانده بودند گفت: «برخیزید! برضد دشمنان خود برویم، شاید بتوانیم آنها را شکست دهیم.» ۹ آنان درحالی که از او روی برمی‌گرداندند گفتند: «فعلاً کاری جز نجات زندگیمان نمی‌توانیم بکنیم، با برادرانمان برای جنگ بازخواهیم آمد. ما بسیار کم هستیم!» ۱۰ یهودا پاسخ داد: «حاشا از من<sup>g</sup> که این چنین عمل کنم و از برابر آنان بگریزم<sup>h</sup>. اگر ساعت ما فرارسیده، دلاوران برای برادرانمان بمیریم و نگذاریم چیزی از افتخارمان کم شود.»

d. بین آوریل - مه سال ۱۶۰ ق.م.

e. در ۲۰ کیلومتری شمال اورشلیم، ر.ک. ۱-توا:۳۱.

f. اگر منظور خربیت العاسه (خرابه‌ها) نزدیک بیت‌حورون است اردوی یهودا بایستی دور از اردوی بکیدهس بوده باشد. شاید در این متن منظور اشاره به عقبه یهوداست.

g. سبک عبری: ر.ک. پید:۴۴:۱۷.

h. تحت اللفظی: با انجام این کار، فرار کردن از آنها.

i. اصطلاح کتاب مقدس ر.ک. ۱-پادا:۴۰؛ مز:۱۸؛ ۷:۹۷؛ ۴:۹۷؛ ۷:۱۱۴.

j. اصطلاح برابر متن یوسفوس: منظور بعل حاصور روایت در ۲-سمو:۱۳؛ ۲۳ است ر.ک. نح:۱۱؛ ۳۳ در آن متن کوه اشدود آمده اما در نزدیکی‌های اشدود کوهی وجود ندارد.

k. تحت اللفظی: نبرد سنگین شد. سبک عبری ۱-سمو:۳؛ ۱۳؛ ۱-توا:۱۰؛ ۳.

۳۰ لذا امروز تو را انتخاب می کنیم که به جای وی رهبر و راهنمای ما بوده جنگ ما را رهبری کنی.»<sup>۳۱</sup> در این لحظه یوناتان ۵-۱:۲ فرماندهی را پذیرفت و به جای برادرش یهودا برخاست.

### یوناتان در صحرای تقوع و سرزمین موآب

۳۲ بکیدس وقتی باخبر شد در صدد قتل وی برآمد. ۳۳ یوناتان و همچنین برادرش شمعون و همه همراهان او با خیر شدند و به صحرای تقوع<sup>m</sup> گریخته در کنار چاه اسفاری<sup>n</sup> اردو زدند. ۳۴ بکیدس به روز سبت با خیر شد و خود و لشکرش به ماوراء رود اردن آمدند. ۳۵ یوناتان برادرش را که فرماندهی باروبنه گروه را داشت فرستاد تا از دوستانش نبطی ها بخواهد که ۲۵:۵ باروبنه شان را که زیاد بود نزد آنها بگذارند. ۳۶ اما پسران یمبری<sup>o</sup> و میدابا<sup>p</sup> بیرون زده یوحنا و آنچه را که داشت گرفتند و با آنچه گرفته بودند رفتند. ۳۷ پس از این وقایع به یوناتان و برادرش شمعون خبر دادند که پسر یمبری عروسی مفصلی به راه انداخته و از نباطیه<sup>q</sup> موکب بزرگی عروس را همراهی می کند که دختر یکی از شخصیت های بزرگ کنعان است.

وی ماتمی<sup>۱</sup> بزرگ گرفتند، روزهای طولانی سوگواری کرده و می گفتند: ۲۱ «چگونه افتاد این قهرمانی که بنی اسرائیل را نجات می داد؟»<sup>۲۲</sup> بقیه اعمال یهودا، جنگ هایش، عملیاتی که انجام داد و کارهای برجسته اش یو ۲۵:۲۱ نوشته نشده است؛ بسیار زیاد بود که نوشته نشده است!

### یوناتان جانشین یهودا

۲۳ پس بعد از مرگ یهودا، مخالفان تورات در سراسر سرزمین اسرائیل سر برافراشتند و همه بدکاران از سر نو پیدا شدند. ۲۴ در این روزها، قحطی بزرگی فرا رسید و کشور به آنها پیوست<sup>۲۵</sup> بکیدس افراد بی دینی انتخاب و آنان را رئیس کشور کرد. ۲۶ اینان به جستجو پرداخته و دوستان یهودا را پی می کردند و به نزد بکیدس می آوردند که آنها را آزار داده و تمسخر می کرد. ۲۷ در اسرائیل مصیبتی بزرگ روی نمود چنان که هرگز پس از روزهایی که دیگر نبی بخود ندیده بودند، پیش نیامده بود. ۲۸ همه دوستان یهودا گرد آمده به یوناتان گفتند: ۲۹ «از وقتی که یهودا برادرت مرده، مردی چون وی وجود نداشته که علیه دشمنان ما، علیه بکیدس و آنان که دشمن ملت ما، قدم بردارد.

۱- سبک عبری ر.ک. ۱۴:۲.

m اینجا وطن عاموس نبی است (عا ۱:۱) در ۱۸ کیلومتری جنوب شرقی اورشلیم که بر صحرایی به همین نام (تقوع) مشرف است، ۲-توا ۲۰:۲۰ و وادی های آن با شیب تند به سوی بحرالحمیت زمانی به عنوان پناهگاه داود به کار گرفته شده بود، ۱- سمو ۲۴ و ۲۶.

n محل مطمئن آن معلوم نیست شاید شیخ احمر ابو صافر کنونی در ۶ کیلومتری جنوب تقوع باشد.  
o یا عمری، برابر نوشته یوسفوس: آثار باستانی یهود.

p از شهرهای فلات ماوراء اردن در ۲۰ کیلومتری بحرالحمیت (اعد ۲۱:۳۰ و غیره).

q بنا بر نوشته یوسفوس، یکی از قلعه های مستحکم آرامی در نزدیک کوه نبو (ر.ک. اعد ۳۲:۳) و به همین نام در حاشیه دشت موآب بوده که در این جا به علت احتیاط و رعایت قدمت کنعان نامیده شده است.

اکنون به سوی آسمان فریاد برآوردید تا مگر ۱۸:۳  
از دست دشمنان خود نجات یابیم.»  
۴۷ جنگ آغاز شد و یوناتان برای زدن  
بکیدس دست دراز کرد اما وی به عقب  
جهید و جا خالی کرد. ۴۸ یوناتان و  
همراهانش به (آب) اردن زدند و با شتاب  
به ساحل دیگر رسیدند. دیگران مطلقاً از  
پی ۷ آنان از اردن نگذشتند. ۴۹ در این روز  
از لشکر بکیدس حدود هزار مرد از پای  
درآمد.

### بکیدس در یهودا خود را تقویت می‌کند

۵۰ وی به اورشلیم بازگشت و در یهودیه  
شهرهائی مستحکم برپا کرد: دژ اریحا،  
عمواس، بیت حورون، بیت ثیل و تمناتا<sup>w</sup>،  
فرعتون، تفوح با حصارهای بلند، دورازه‌ها  
و کلون‌ها<sup>x</sup>. ۵۱ سپس بکیدس در آن حوالی  
پادگان گماشت تا اسرائیلیان را به ستوه  
آورند. ۵۲ شهر بیت صور، جازر و دژ را ۱۵:۴  
مستحکم کرد و در آنجا دسته‌هائی با  
انبارهائی برای زندگی قرار داد. ۵۳ پسران  
رؤسای شهر را به گروگان گرفت و آنها را  
در دژ اورشلیم تحت محافظت نهاد.  
۵۴ در سال صد و پنجاه و سه<sup>y</sup>، در ماه

۳۸ به یاد خون یوحنا برادرشان افتادند و  
بالا رفته در یکی از پیچ‌وخم‌های کوهستان  
مخفی شدند. ۳۹ چشم‌ها را بالا گرفته و  
اینک همه‌ای درهم و گروهی کثیر از دور  
دیدند: داماد با دوستانش و برادرانش به  
همراه دف و سازهای موسیقی و اسلحه به  
تعداد زیاد، به استقبال دسته عروس  
می‌رفتند. ۴۰ (یهودیان) از کمینگاه خود بر  
آنها تاخته آنان را کشتند، بسیاری زخم  
مهلک برداشته و بقیه به سوی کوهستان  
فرار کردند و همه اموالشان را به غنیمت  
گرفتند. ۱۰:۸۱ عروسی مبدل به عزا شد و لحن  
ساز و آوازشان به مرثیه تبدیل گردید.  
۴۲ با انتقام کشیدن<sup>r</sup> از خون<sup>s</sup> برادرشان، به  
سوی مرداب‌های اردن<sup>t</sup> بازگشتند.

### جنگ در کناره رود اردن

۴۳ بکیدس که باخبر شده بود روز سبت  
با لشکری فراوان به ساحل رود اردن  
نزدیک شد. ۴۴ یوناتان به افرادش گفت:  
«پس برخیزید! و برای زندگیمان بجنگیم  
زیرا امروز چون دیروز<sup>u</sup> نیست. ۴۵ اینک  
نبرد در برابر و در پشت سرمان است، از  
یک سو آب اردن و از سوی دیگر مرداب‌ها  
و جگن زار: راهی برای گریز نیست. ۴۶ پس

r سبک عبری ر. ک. ۶۷:۲.

s انتقام کشیدن از خون. سبک عبری: ر. ک. تث ۴۳:۳۲؛ ۲-پاد ۹:۷.

t خیزاب‌های مردابی... مملو از درختچه‌ها و علف‌های خاردار که ورود به آنها بسیار سخت است.

u سبک عبری: ر. ک. پید ۳۱:۲؛ هو ۱۸:۴.

v درگیری بر ساحل غربی رود اردن میسر بوده است (یوسفوس). بکیدس یوناتان را وادار می‌کند که به سوی ساحل شرقی پیش  
رود بدون آن که خود از جریان آب بگذرد.

w تمناتا: شکل آرامی تمنه، یوشع ۱۹:۵۰؛ فرعتون: داوود ۱۵:۱۲؛ تفوح: یوشع ۱۷:۱۲.

x کلون. چوب کلفت و مقاومی که در شیب درها در قیده‌های چوبی یا آهنی جاسازی می‌شد و دارای قابلیت باز و بسته شدن برای  
حفظ و مقاوم کردن درهای بزرگ بود.

y بین آوریل-مه ۱۹۵ ق. م.

مسببین چنین شقاوتی را دستگیر کردند، پنجاه تن را دستگیر و آنها را به قتل رساندند. <sup>۶۲</sup> یوناتان و شمعون با همراهانشان به بیت بیصای <sup>c</sup> که در صحراست عقب نشستند؛ آنچه را ویران شده بود از نو بنا کردند و آنها را مستحکم ساختند. <sup>۶۳</sup> بکیدس که خبر شده بود همه نیروهایش را گرد آورد و نیروهای یهودیه را به یاری خواست. <sup>۶۴</sup> در نزدیکی بیت بیصای موضع گرفته، روزهای دراز با آنان جنگید و منجیق ها بساخت. <sup>۶۵</sup> یوناتان، برادرش شمعون را در شهر باقی گذاشت و خود به سرزمین بیرون آمد و با تنی چند به راه افتاد. <sup>۶۶</sup> «ادومرا» و برادرانش را، همچنین پسران فاسیرون <sup>d</sup> را در ارودیشان شکست داد و آنان به نبرد ادامه داده با گروه ها فائق آمدند. <sup>۶۷</sup> شمعون و همراهانش بیرون آمده <sup>f</sup> منجیق ها را سوزاندند. <sup>۶۸</sup> با بکیدس درگیر نبرد شدند که از سوی آنان شکست خورد و او را رنج بسیار دادند زیرا نقشه و مأموریتش به شکست انجامیده بود. <sup>۶۹</sup> سراپا خشمگین علیه مردمان بی قانونی که به وی اندرز داده بودند وارد سرزمین شد، شمار زیادی از آنان را کشت و تصمیم گرفت به کشور خود باز گردد. <sup>۷۰</sup> یوناتان باخبر شد و قاصدانی نزدش فرستاد تا با وی قرارداد صلح منعقد

دوم، الکیمس فرمان داد که دیوار <sup>z</sup> صحن داخلی معبد را تخریب کنند و همچنین کارهای انبیاء <sup>a</sup> را ویران نمایند و آغاز به تخریب کردند. <sup>۵۵</sup> در این زمان، الکیمس ضربت خورد و کارهایش متوقف گردید، دهانش بسته و فلج شد و از آن پس گفتن یک کلمه و صدور دستور درباره خانه اش <sup>b</sup> برایش ناممکن گردید. <sup>۵۶</sup> در این زمان، الکیمس در عذاب الیم درگذشت. <sup>۵۷</sup> بکیدس که دید الکیمس در گذشته، نزد پادشاه بازگشت و سرزمین یهودیه مدت دو سال آرام گرفت. <sup>۳:۱</sup> <sup>۵۰:۷</sup>

### شکست بکیدس در برابر بیت بیصای و ترک یهودیه

<sup>۵۸</sup> همه افراد بی قانون شورائی تشکیل دادند و گفتند: «اینک یوناتان و افرادش در آرامش و اطمینان روزگار می گذرانند، اکنون بکیدس را آورده او همه آنها را یک شبه دستگیر خواهد کرد.» <sup>۵۹</sup> رفته با وی پنهانی مشورت کردند. <sup>۶۰</sup> بکیدس با دسته ای کثیر به راه افتاد و محرمانه نامه هائی به همه متفقین خود در یهودیه فرستاده از آنان خواست یوناتان و همراهانش را دستگیر کنند، اما آنها نتوانستند زیرا نقشه شان علنی شده بود. <sup>۶۱</sup> آنان برعکس، از میان مردمان سرزمین

z. شاید دیواری که صحن مشرکان را از صحن یهودیان جدا می کرد.

a. اشاره به نقش حجی و زکریا در دوباره سازی معبد پس از دوران تبعید.

b. اصطلاح کتاب مقدس: ر. ک. ۲-۲۰:۱، منظور ترتیبات و اختیارات وصیت نامه است.

c. عزرا ۲:۱۷ از بین معاودان بابل به پسر بیصای که نامش در محل بیت بیصای بین بیت لحم و تقوع باقی مانده اشاره می کند.

d. قبیله عرب متحد با بکیدس.

e. فاعل این جمله را به سختی می توان تعیین کرد.

f. خروج از آنجا به وسیله حمله تعرضی و غافلگیرانه یوناتان امکان پذیر شده بود (یوسفوس، آثار باستانی یهود ۱۳:۲۶).

شتاب کنیم، پیش از آن که یوناتان با اسکندر برضد ما این کار را بکنند<sup>۵</sup> زیرا همه بدی‌هایی را که علیه وی، علیه برادرانش و علیه ملتش روا داشته‌ایم بیاد خواهد آورد.»<sup>۶</sup> وی را اجازه داد تا لشکریان را بردارد، اسلحه بسازد و خود را متحدش بنامد و دستور داد گروگان‌هایی را که در قلعه بودند به وی تسلیم کند.

<sup>۷</sup> یوناتان به اورشلیم آمد و نامه را به حضور همه قوم<sup>m</sup> و افراد قلعه خواند. <sup>۸</sup> آنان را ترسی بزرگ فرا گرفت<sup>n</sup> از آنجا که دانستند پادشاه به وی اجازه داده است لشکری بردارد. <sup>۹</sup> افراد قلعه گروگان‌ها را

به یوناتان تسلیم کردند که وی آنها را به ۵۳:۹ خانواده‌هایشان سپرد. <sup>۱۰</sup> یوناتان ساکن اورشلیم شد و شروع به بازسازی و مرمت شهر کرد. <sup>۱۱</sup> او به کسانی که کارها را انجام می‌دادند دستور داد حصارها و محوطه کوه صهیون را با سنگ تراشیده بازسازی نمایند تا مستحکم شوند و آنها نیز این چنین کردند. <sup>۱۲</sup> بیگانگان ساکن در ۵۲-۵۰:۹ قلعه‌هایی که بکیدس بنا کرده بود فرار کردند. <sup>۱۳</sup> هر یک نگهبانی خود را ترک گفته به سرزمینش رفت. <sup>۱۴</sup> در بیت‌صویر فقط برخی از کسانی را که تورات و فرمان‌ها را ترک گفته بودند باقی گذاشتند، زیرا

کند و بازپس گرفتن اسیران را به وی بقبولاند. <sup>۱۱</sup> بکیدس پذیرفت و با پیشنهادهای یوناتان موافقت کرد و سوگند خورد که در تمام مدت عمرش در صد آزار وی برنماید. <sup>۱۲</sup> اسیرانی<sup>g</sup> را که قبلاً در سرزمین یهودیه گرفته بود به وی پس داد، سپس بازگشته به سرزمین خود رفت و دیگر به قلمرو یهودیان وارد نشد. <sup>۱۳</sup> در اسرائیل شمشیر آرام گرفت<sup>h</sup>. یوناتان در مکماش<sup>i</sup> استقرار یافت و بر قوم<sup>j</sup> داوری آغاز کرد و بی‌دینان را از میان ت<sup>۱۹:۱۹</sup> بنی اسرائیل راند.

## انتصاب یوناتان به عنوان کاهن اعظم از سوی اسکندر بالاس

۱۰. در سال صد و شصت<sup>k</sup>، اسکندر، پسر آنتیوخوس و مشهور به اپیفان<sup>l</sup> به خشکی درآمده بطالسه را اشغال نمود. از وی استقبال کردند و در آنجا آغاز به سلطنت کرد. <sup>۲</sup> با این خبر، دیمیتریوس پادشاه گروه‌های متعددی فراهم آورده برای نبرد به مقابله‌اش شتافت. <sup>۳</sup> دیمیتریوس به یوناتان نامه‌ای با مضامین صلح جویانه فرستاده به وی وعده داد وی را ارتقاء مقام دهد. <sup>۴</sup> در واقع به خود گفته بود: «برای پیش قدم شدن در صلح با این افراد

g- تحت اللفظی: اسارتی (اسرایی) که گرفته بود. سبک عبری: ر.ک. عا ۶:۱ و غیره.

h- اصطلاح کتاب مقدس: ر.ک. ار ۴۷:۶. دوران صلح از ۱۵۷ تا ۱۵۲ ق.م به طول انجامید.

i- ر.ک. ۱- سمو ۱۳:۲ و غیره. در ۱۲ کیلومتری شمال شرقی اورشلیم.

j- یوناتان با یکی از داوران قدیم مقایسه شده است، ر.ک. داور ۳:۱۰ و غیره.

k- بین سپتامبر ۱۵۳ و اکتبر ۱۵۲.

l- این فرد ماجراجو که بالاس نامیده می‌شد به جهت شباهتی که با آنتیوخوس اپیفان داشت مدعی بود که پسر وی است.

m- تحت اللفظی: به گوش‌های همه مردم، سبک عبری: ر.ک. خروج ۷:۲۴ و غیره.

n- تحت اللفظی: به ترسی عظیم ترسیدند، سبک عبری: ر.ک. یونس ۱:۱۰ و غیره.

o- ر.ک. ۶:۶۲:۶ این کارها را یوناتان در اوج قدرتش از سر می‌گیرد، ۱۲:۳۵-۳۷.

## هدایای دیمتریوس اول به یوناتان

۲۲ دیمتریوس با اطلاع از این امور مکدر گردید و گفت: ۲۳ «در این باره که اسکندر با غضب دوستی یهودیان بر ما پیشی گرفته تا از آنان برای خود پایگاهی بسازد، چه می‌توانیم بکنیم؟» ۲۴ من نیز به آنان خواهم نوشت و درباره راحتی، ارتقاء و هدایا با ایشان صحبت خواهم کرد تا کمک آنها را به دست آورم. ۲۵ و برایشان (نامه ای) با این عبارات<sup>۱</sup> نوشت:

«از دیمتریوس پادشاه به ملت یهود، سلام! ۲۶ قراردادهایی را که با ما داشتید رعایت کرده‌اید، در دوستی با ما ادامه داده و هرگز به سوی دشمنان ما نرفته‌اید. از آن باخبر شده و خوشنودیم. ۲۷ باز در حفظ وفاداریتان نسبت به ما ادامه دهید و ما در مقابل این کارهایی که برایمان می‌کنید به نیکی پاداش خواهیم داد. ۲۸ هدایای بسیار به شما عطا می‌کنیم و برایتان تحفه‌ها می‌فرستیم. ۲۹ از هم اکنون بستن خراج و عوارض نمک و تاج‌ها<sup>۲</sup> را به همه یهودیان واگذار می‌کنم. ۳۰ یک سوم محصولات زمین و نصف میوه‌های درختان که به من می‌رسد<sup>۳</sup> از امروز و از این پس برای

آنجا پناهگاه آنها بود. ۱۵ اسکندر پادشاه از وعده‌هایی که دیمتریوس به یوناتان داده بود آگاه شد، همچنین از نبردهای او و فتوحاتی که به انجام رسانده بود، وی و برادرانش و نیز عذاب‌هایی را که تحمل کرده بودند به وی بازگفتند. ۱۶ گفت: «آیا دیگر چنین آدمی خواهیم یافت؟ از وی برای خود دوست و متحدی فراهم آوریم.» ۱۷ نامه‌ای به این مضامین نوشته برایش فرستاد:

۱۸ «اسکندر پادشاه به برادرش یوناتان سلام می‌رساند! ۱۹ درباره تو آگاه شده‌ایم که جنگجوی دلاور<sup>۴</sup> هستی، مناسب آن که دوست ما باشی. ۲۰ بدین خاطر امروز ترا به عنوان کاهن اعظم<sup>۵</sup> ملت خود برقرار می‌کنیم و عنوان دوست پادشاه را به تو می‌دهیم. -هم زمان برایش ردای ارغوانی<sup>۶</sup> و تاجی زرین فرستاد- تا سرانجام جانب ما را داشته و دوستی‌ات را برای ما نگاه داری.» ۲۱ یوناتان ردای مقدس را در هفتمین ماه سال صد و شصت<sup>۷</sup> در جشن خیمه‌ها در بر کرده، لشکریان را برداشت و سلاح بسیار ساخت.

p. سبک عبری: ر.ک. ۱:۸ و غیره.

q. این نامگذاری از دید مؤلف کتاب اول مکابیان مشروع و قانونی است. اسکندر که روم و سایر قدرت‌ها او را به رسمیت می‌شناختند حقوق سلطنتی خود را اعمال می‌کرد (۲-مک ۴:۱۰). نامگذاری یکی از نوادگان یواریب (ر.ک. ۱:۲، ۵۴) منجر به خلع سلسله اونیا گردید و این احتمالاً هنگامی بود که پسر اونبای سوم در مصر معبد لئونتوپولیس (Leontopolis) را بنا می‌کرد (یوسفوس، آثار باستانی یهود ۱۳:۶۲-۷۳) و این که «استاد اعظم عدالت» (سند دمشق ۱:۱۱) به قمران پناهنده شد.

r. بالاپوش (ردای) ارغوانی رنگ نشان دوستان پادشاه و کاهنان اعظم ادیان یونانی بود.

s. بین ۲۳ و ۳۰ اکتبر ۱۵۲ ق.م. در مورد تاریخ اجرای مراسم ر.ک. لاو ۲۳:۳۳.

t. دیمتریوس بدون نام بردن از یوناتان، به هر تقدیر بخشی از ادعاهای خود را با ثبت آنها در محدوده فرمانروائی سلطنتی می‌پذیرد، ر.ک. آیه ۳۱.

u. در اصل، تاج عبارت از هدیه‌ای بوده به شکل تاجی از برگ‌های طلائی ولی بعدها معادل آن قطعات طلا محسوب می‌شد.

v. در سال ۱۶۵ آنتیوخوس چهارم به جای غرامت و خراج، عوارض ارضی بسیار سنگینی وضع کرد و یهودیه را تبدیل به ملک سلطنتی نمود (۳:۳۶). در اینجا به نظر می‌رسد غرامت یا خراج دربار دوباره برقرار شده باشد.



بزرگ پادشاهی مستقر و در میان آنان به مشاغل معتبر پادشاهی گماشته خواهند شد. افسران و رؤسایشان از میان خودشان خواهد بود، برابر قوانین خود و برابر آنچه پادشاه برای کشور یهود دستور داده است خواهند زیست.<sup>۳۸</sup> اما درباره سه نام از استان سامره که [به طور دائمی] ضمیمه یهودیه باشد و مال خودشان به حساب آید تا در عین حال که مطیع یک رئیس است، از مقام دیگری جز کاهن اعظم اطاعت نکند.<sup>۳۹</sup> بطالسه و سرزمین هائی را که بدان پیوسته است<sup>b</sup> به عنوان هدیه برای هزینه های لازم مکان مقدس به مکان مقدس اورشلیم می دهد.<sup>۴۰</sup> آنچه مراست هر سال پانزده هزار مثقال<sup>c</sup> نقره از درآمد پادشاه، از اعتبارات خصوصی می دهد<sup>۴۱</sup> و همه مازادی را که مأموران و وصول در سال های قبل واریز نکرده اند از این پس برای کارهای معبد خواهند پرداخت<sup>۴۲</sup> افزوده براین، پنج هزار مثقال نقره که از درآمد مکان مقدس در حساب سالانه برداشت می شد آن نیز واریز خواهد شد تا به کاهنانی که به خدمت آئین نیایشی می پردازند برسد.<sup>۴۳</sup> همه کسانی که به خاطر بدهی به خزانه پادشاهی یا هر امر

همیشه به سرزمین یهودیه و به سه<sup>w</sup> نام پیوسته<sup>x</sup> به آن یعنی سامریان و جلیل را برای همیشه واگذار می کنم<sup>۳۱</sup> باشد که اورشلیم مقدس و معاف<sup>y</sup> باشد، همچنین مرز و بومش، عشریه اش و حقوق و عوارضش<sup>z</sup>.<sup>۳۲</sup> از هر اختیاری نسبت به قلعه اورشلیم نیز صرف نظر می کنم و آن را به کاهن اعظم می دهم تا مردان برگزیده خود را بر آن گمارد.<sup>۳۳</sup> هر شخص یهودی که خارج از خطه یهودیه، در سراسر قلمرو من به اسارت گرفته شده باشد به رایگان به او آزادی<sup>a</sup> می دهم. همه از مالیات معاف باشند، حتی برای چهارپایان خود.<sup>۳۴</sup> در همه اعیاد، سبت ها، هلال های ماه، روزهای ثابت برای مراسم و سه روز متوالی قبل یا بعد از هر عید، همه آنها روزهای ایمنی و خلاصی برای همه یهودیانی که در قلمرو من هستند خواهد بود.<sup>۳۵</sup> و هیچکس حق نخواهد داشت از احدی از آنها توقعی داشته یا به هر دلیل ایجاد ناراحتی کند.<sup>۳۶</sup> از یهودیان در لشکر پادشاه تا شمار سه هزار مرد نام نویسی و به آنان مواجب پرداخت خواهد شد همان گونه که در خور همه لشکریان پادشاه است.<sup>۳۷</sup> در قلعه های

w. بخشی از اراضی مصر: ر.ک. ۳۴:۱۱.

x. شناسایی بخش های متصرفه توسط یهودا مکابی.

y. اصطلاح کامل آن به زبان یونانی، مقدس و مصون است که در (یوسفوس، آثار باستانی یهود ۱۳:۵۱) به آن اشاره شده. این امتیاز که شامل حق پناهندگی است محدود به شهر اورشلیم می باشد.

z. متن یوسفوس چنین می گوید: معاف از عشریه و حقوق و عوارض، معافیتی که همچنین شامل یهودیه که جزو اراضی شهر اورشلیم است می شود.

a. عمومیت بخشیدن به رسمی که باعث الغای دیون و حقوق واگذاری در زمان زیارت می شد.

b. دیمتریوس یهودیان را تحریک می کرد که به یکی از پایگاه های بالاس حمله کنند (۱:۱۰). یهودیان برای تنظیم روابط خود با اهالی بطالسه نزاع داشتند: ۲-مک ۸:۶؛ ۱-مک ۵:۵-۲۲.

c. مثقال در این جا معادل چهار درهم صوری برابر ۱۴ گرم است ر.ک. وجه تسمیه و مثقال اسرائیلی برای چهار درهم طی نخستین شورش.

### پیمان اسکندر بالاس با بطلمیوس ششم و یوناتان

اسکندر سفیرانی نزد بطلمیوس<sup>e</sup> پادشاه مصر فرستاد تا با این عبارات با وی سخن گویند:

«اینک من به قلمرو خود بازگشته و بر تخت پدران خود نشسته‌ام، صاحب قدرتم، دیمیتریوس را شکست داده و اختیار کشورمان را به دست گرفته‌ام.<sup>۵۳</sup> علیه وی در نبرد درگیر شده‌وی و لشکرش توسط ما شکست خورد و بر تخت پادشاهی وی نشسته‌ایم.<sup>f</sup> پس حالا بین خود عقد مودت ببندیم، اکنون دختری را به من بده تا زن من شود؛ من داماد تو خواهم شد و من به تو و همچنین به وی هدایائی شایسته<sup>g</sup> خواهم داد.»

اسکندر پادشاه با این عبارات پاسخ داد: «خوشا به روزی که تو به سرزمین پدرانت بازگشته و آنجا بر تخت پادشاهی نشسته باشی!<sup>۵۴</sup> اکنون آنچه را برام نوشته‌ای برای تو انجام خواهم داد، فقط به دیدار من به بطالسه بیا تا همدیگر را ببینیم، تا برابر آنچه گفته‌ای پدر زن تو گردم.»

اسکندر پادشاه به مصر رفت، وی و کلئوپاترا دخترش به سال صد و شصت و دو<sup>h</sup> به بطالسه آمدند.<sup>۵۸</sup> اسکندر پادشاه به استقبالش رفت، وی نیز کلئوپاترا

دیگری در معبد اورشلیم و همه زمین‌های آن پناه می‌گیرند با آنچه در قلمرو من مالک آن هستند، آزاد شوند.

عز:۴ ۴۴ در مورد کارهای ساختمانی و مرمت مکان مقدس، هزینه‌های آن از درآمد پادشاه، برداشت گردد.<sup>۴۵</sup> در مورد ساختمان حصار اورشلیم و استحکام محوطه آن، هزینه‌های آن نیز از محل درآمدهای پادشاه برداشت خواهد شد، همچنین برای ساختمان حصارها در یهودیه.»

### مرگ دیمیتریوس اول

وقتی یوناتان و قوم از این پیشنهادات باخبر شدند، باور نکردند و از پذیرفتن آن امتناع ورزیدند، زیرا بلاهای عظیمی را که دیمیتریوس بر اسرائیل آورده بود و رنج‌های زیادی را که بر آنها وارد کرده بود به یاد داشتند.<sup>۴۷</sup> آنها تصمیم به جانبداری از اسکندر گرفتند که در ایراد سخنان صلح‌جویانه<sup>d</sup> اول بود و به طور دائمی متفق وی شده بودند.<sup>۴۸</sup> اسکندر پادشاه لشکری بزرگ گرد آورد و علیه دیمیتریوس موضع گرفت.<sup>۴۹</sup> دو پادشاه درگیر جنگ شدند. لشکر اسکندر پا به فرار گذاشت، دیمیتریوس وی را تعقیب کرده بر وی چیره گشت.<sup>۵۰</sup> او جنگ را با شدت تا غروب خورشید ادامه داد اما دیمیتریوس در این روز از پای درآمد.

d. برای این که اتحاد علیه دیمیتریوس به نظر وظیفه‌ای الزامی می‌آمد.

e. بطلمیوس ششم فیلمتور، ۱۸۰-۱۴۵ ق.م.

f. تحت اللفظی: «ما تخت سلطنت وی را اشغال کرده‌ایم». سبک عبری: ر.ک. ۴:۷.

g. نویسنده کتاب اول مکابیان محتوای نامه را بازگو می‌کند زیرا از خود نامه دقیقاً مطلع نیست. فعلی که در اینجا به زبان عبری برای ادای مفهوم داماد به کار رفته Hithatten (داماد بودن) است و در آیه ۵۶ Hoten «پدر زن بودن».

h. در پاییز سال ۱۵۰ ق.م.

گذاشتند.<sup>۶۵</sup> پادشاه این افتخار را به وی داد که نامش در میان نخستین دوستانش<sup>l</sup> نوشته شود و وی را ملقب به «استراتژ» و «فرمانروا»<sup>k</sup> کرد.<sup>۶۶</sup> سپس یوناتان در صلح و صفا به اورشلیم بازگشت.

### دیمیتریوس دوم آپولونیوس را علیه یوناتان اعزام می‌کند تا او را شکست دهد

<sup>۶۷</sup> در سال صد و شصت و پنج<sup>l</sup> دیمیتریوس<sup>m</sup>، پسر دیمیتریوس از کرت به سرزمین پدران خویش آمد.<sup>۶۸</sup> با این خبر، اسکندر پادشاه بسیار مکدر شد و به انطاکیه بازگشت.<sup>۶۹</sup> دیمیتریوس فرماندهی را به آپولونیوس<sup>n</sup> واگذار کرد که حاکم<sup>o</sup> «بقاع سوریه»<sup>p</sup> بود. وی لشکری بزرگ فراهم آورد و در نزدیکی «یمنه»<sup>q</sup> موضع گرفته فرستاد تا به یوناتان کاهن اعظم بگویند:

<sup>۷۰</sup> «تو تنها از آن هستی که بتوانی علیه ما برخیزی و من به خاطر تو مایه مسخره و ریشخند گشته‌ام؛ چرا در کوه‌ها قدرت خود را علیه ما بکار می‌گیری؟<sup>۷۱</sup> اکنون اگر به

دخترش را به او داد و همان‌گونه که شایسته پادشاهان بود عروسی آنان با تشریفاتی عظیم در بطالسه برگزار شد.<sup>۵۹</sup> اسکندر پادشاه به یوناتان نوشت تا به دیدارش بشتابد.<sup>۶۰</sup> وی با تشریفاتی بزرگ به بطالسه آمد و به دیدار دو پادشاه رفت، به آنان و همچنین به دوستانشان زر و سیم و هدایای بسیار داد و نزد آنان عزت یافت.<sup>۶۱</sup> آنگاه کسانی که نه ایمان داشتند و نه قانون، خود فروفتگان اسرائیل برای شکایت از او علیه وی گرد آمدند اما پادشاه به آنان کوچکترین اعتنائی نکرد.<sup>۶۲</sup> پادشاه فرمان داد جامه‌های یوناتان را از تن وی درآورند و وی را با جامه ارغوانی بپوشانند و این چنین کردند.<sup>۶۳</sup> پادشاه وی را نزد خود نشانند و به صاحب منصبان خود گفت: «با وی به میان شهر بیرون روید و اعلام دارید که احدی علیه وی برای هر کاری که باشد شکایت نبرد و هیچکس برای هر امری که باشد وی را ناراحت نکند.»<sup>۶۴</sup> هنگامی که این بدگویان، افتخاری را که در حق او به عمل آمد دیدند و مضامین گفتار و خود او را که به جامه ارغوانی ملبس بود دیدند، همه پا به فرار

i. ۲۴:۱۱، سبک عبری: ر.ک. پید۶:۸ و غیره

j. در دربار سلوکیان دوستان نخستین دوستان نیز به چشم می‌خورد ر.ک. ۲۷:۱۱ و ۲-مک:۸:۹.

k. تحت اللفظی: رئیس مرید (Meride) (ر.ک. اع:۱۶:۱۲) یعنی یک «حصه» از سرزمین‌هایی که وسیع‌تر از سرزمین استراتژی (Strategie) می‌باشند.

l. در سال ۱۴۷ ق.م.

m. دیمیتریوس دوم نیکاتور (پسر دیمیتریوس اول سوتر (Soter) که در جنگ بالاس را کشته بود، آیه ۵۰). سلطنت وی در واقع در سال ۱۴۵ با مرگ بالاس آغاز گردید (۱۷:۱۱). وی تا سال ۱۲۵ با وقفه‌ای در هنگام اسارتش نزد پارتیان (اشکانیان) (۱۳۸ تا ۱۲۹ ق.م) سلطنت کرد.

n. بی تردید همان که دیمیتریوس اول را کمک کرد از روم فرار کند.

o. می‌توان چنین فرض کرد که آپولونیوس از سوی آنتیوخوس پنجم یا دیمیتریوس اول به مقام خود رسیده بود بنابراین از طرفداران آنها بوده (۱:۷) و سپس از سوی بالاس خلع گردید. درباره پدرش آپولونیوس ر.ک. ۲-مک:۳:۵.

p. احتمالاً منظور فنیقیه است که در محدوده استان آپولونیوس واقع بود، ر.ک. ۲-مک:۳:۵.

q. حاکم نشین لیتورال (Littoral)، ر.ک. ۵:۵۸.

افرادت اعتماد داری به سوی ما به دشت پائین بیا و آنجا با هم هماوردی کنیم زیرا من با خود لشکر شهرها را دارم. <sup>۷۲</sup> با خبر شو و بدان که من کیستم و دیگران که به یاری ما می آیند چه کسانی هستند. آنها می گویند که برای شما ممکن نیست در برابر ما بایستی زیرا پدران تو با شماری دو برابر در سرزمین خود پا به فرار گذاشتند. <sup>۷۳</sup> و اکنون نمی توانی در برابر آسواران و نه با چنین لشکری در دشت در جایی که نه سنگ است، نه سنگریزه، نه جایی برای گریختن، مقاومت کنی.»

۱- سمو ۴:۲، ۱۰:۳۱ و ادامه

<sup>۷۴</sup> وقتی یوناتان سخنان آپولونیوس را شنید، روحش برآشفته <sup>۲</sup> ده هزار مرد برگزید و از اورشلیم بیرون شد و برادرش شمعون به یاریش به وی پیوست. <sup>۷۵</sup> وی در نزدیکی یافا موضع گرفت، اما مردان شهر دروازه ها را بستند زیرا پادگانی از آپولونیوس در یافا بود. آنان (یهودیان) حمله را شروع کردند. <sup>۷۶</sup> مردان شهر را ترس فراگرفته دروازه ها را گشودند و یوناتان صاحب یافا گردید. <sup>۷۷</sup> با این خبر آپولونیوس سه هزار سوار و تعداد زیادی پیاده نظام به خط کرد و به سوی اشدود برای گذشتن از کشور روان شد، در حالی که در همان زمان وی در دشت پیش می رفت زیرا تعدادی بی شمار آسواران داشت که بر آنها حساب می کرد. <sup>۷۸</sup> یوناتان در جهت اشدود وی را تعقیب می کرد و دو لشکر با هم در نبرد شدند. <sup>۷۹</sup> آپولونیوس، هزار سوار

یوشع ۱۹:۴۶

مخفی پشت دشمن گذاشته بود <sup>۸۰</sup> یوناتان متوجه شد که پشت سرش کمین کرده اند. (آسواران) لشکرش را احاطه کرده پیکان های خود را از صبح تا شام بر لشکریان فرو باریدند. <sup>۸۱</sup> لشکریان، همان گونه که یوناتان فرمان داده بود، خوب مقاومت کردند در حالی که اسب هایشان خسته شده بودند. <sup>۸۲</sup> شمعون لشکرش را برداشته به سپاهیان فیلان حمله برد زیرا آسواران از پای درآمده بودند، سوری ها که توسط وی درهم شکسته بودند گریختند. <sup>۸۳</sup> آسوران در دشت پراکنده گشتند، فراریان به اشدود رسیده وارد بیت داگون معبد بت خود شدند تا در آنجا نجات یابند. <sup>۸۴</sup> یوناتان اشدود و شهرهای اطراف را به آتش کشید، غنائمشان را برگرفت و معبد داگون و کسانی را که به آنجا پناهنده شده بودند به آتش کشید. <sup>۸۵</sup> آنانی که به زیر شمشیر افتادند با کسانی که سوزانده شدند در حدود هشت هزار نفر بودند. <sup>۸۶</sup> یوناتان با عزیمت از آنجا، در اشقلون موضع گرفت، ساکنان شهر با تشریفات بزرگ به استقبالش آمدند. <sup>۸۷</sup> سپس یوناتان با افرادش به همراه غنائمی بی شمار به اورشلیم بازگشت. <sup>۸۸</sup> وقتی اسکندر پادشاه این را دانست، به یوناتان افتخاراتی جدید اعطاء کرد. <sup>۸۹</sup> برایش یک سنجاق زرین سینه همان گونه که رسم است که به اولیای پادشاه می دهند فرستاد و عقرون و همه <sup>۳۲:۳</sup> یوشع ۱۳:۳ سرزمین های آن را به وی بخشید.

f. تحت اللفظی: «در اندیشه اش». سبک عبری، واژه یونانی dianoia در زبان عبری به معنی «قلب» است، ۴۹:۱۱؛ پید ۱۷:۱۷ و غیره.

s. ر. ک. ۱- سمو ۵:۲ و آیات بعد. معبد دیگری برای داگون در غزه وجود داشت، داور ۱۶:۲۳ و مکان دیگری به نام بیت داگون (داجون) بین یافا در بمنا (یوشع ۱۵:۴۱).

## شکست اسکندر بالاس به دست بطلمیوس ششم و مرگ آن دو

۱۱<sup>۱</sup> پادشاه مصر لشکریانی بی شمار چون ریگ ساحل دریا<sup>۲</sup> و همچنین کشتی های فراوان گرد آورد و درصدد برآمد از راه حيله قلمرو اسکندر را به تصرف در آورده<sup>۳</sup> به قلمرو خود ضمیمه کند. ۳۰:۱<sup>۴</sup> وی با سخنانی صلح جویانه به سوریه آمد. افراد شهر دره ایشان را بر وی گشودند و به استقبالش رفتند زیرا فرمان اسکندر پادشاه بود که به استقبالش بروند چرا که وی پدر زنش بود. ۳<sup>۵</sup> اما همین که بطلمیوس وارد شهرها می شد از لشکریان خود که در پادگان های شهرها بودند، جدا می شد. ۴ وقتی به اشدود نزدیک شد معبد سوخته<sup>۶</sup> داگون اشدود و شهرک هایش را که ویران شده بودند، اجسادى که این سو و آن سو افتاده بودند و بقایای آهکی آنانی را که (یونانیان) در جنگ سوزانده بود به وی نشان دادند. ۵<sup>۷</sup> آنچه را یونانیان کرده بود برای پادشاه تعریف کردند تا وی را سرزنش کند اما پادشاه سکوت کرد. ۶ یونانیان با تشریفات در یافا به استقبال پادشاه رفت، متقابلاً یکدیگر را سلام

گفتند و در آن محل استراحت کردند. ۷ یونانیان به همراه پادشاه تا رودخانه ای که الوتر<sup>۸</sup> نام دارد رفت و سپس به اورشلیم بازگشت.

۸ اما درباره پادشاه بطلمیوس، وی صاحب شهرهای اطراف تا سلوکیه دریائی<sup>۹</sup> شد و نسبت به اسکندر در سر نقشه های بد داشت. ۹ او سفیرانی نزد دیمیتریوس پادشاه فرستاد تا به وی بگویند: «بیا با هم پیمانی منعقد کنیم، دخترم را که زن اسکندر است<sup>۱۰</sup> به تو می دهم و تو بر قلمرو پدرت سلطنت خواهی کرد. ۱۰ در واقع از این که دخترم را به وی داده ام پشیمانم زیرا وی در صدد قتل من برآمده است.» ۱۱ وی را سرزنش کرد، زیرا حرص قلمروش<sup>۱۲</sup> را داشت. ۱۲ با پس گرفتن دخترش، وی را به دیمیتریوس داد، با اسکندر قطع رابطه کرد و دشمنی آنان آشکار شد. ۱۳ بطلمیوس وارد انطاکیه<sup>۱۴</sup> گردید و دیهیم آسیا را بر سر نهاد و بدین ترتیب بر سرش دو دیهیم نهاد، دیهیم مصر و دیهیم آسیا<sup>۱۵</sup>. ۱۴ در این زمان اسکندر پادشاه در قلیقیه بود زیرا افراد این منطقه پیمان شکنی کرده بودند. ۱۵ اسکندر وقتی دانست علیه بطلمیوس به

- f. تحت اللفظی: لب دریا، سبک عبری: ر.ک. پید ۱۷:۲۲ و غیره. استعاره در محیط نظامی، ر.ک. ۱- سمو ۱۳:۵.  
 u. به دنبال توطئه ای تمهید یافته علیه وی از سوی آمونیوس، وزیر دامادش بالاس (به گفته یوسفوس؟) یا به علت سستی بالاس (دیودور؟). هر دوی این منابع از پولیب الهام گرفته اند، کسی که دوست دیمیتریوس و لذا دشمن بالاس محسوب می شد.  
 v. امروزه آن را «نهر الکبیر» می نامند که در مرز شمالی لبنان در حدود ۲۰ کیلومتری طرابلس قرار دارد.  
 w. بندر انطاکیه واقع بر مصب رود اورنتس، ر.ک. اع ۱۳:۴.  
 x. مشکل می توان فهمید که آیا در این زمان کلتوباترا از اسکندر جدا شده بود یا نه زیرا بسیاری از نسخ، فعل را به زمان ماضی نقل می کنند.  
 y. به باور نویسنده کتاب اول مکابیان توطئه ای علیه بطلمیوس وجود نداشته است. ر.ک. آیه ۱.  
 z. بدون زد و خورد، زیرا شهر از سوی سرداران اسکندر به ویژه دیودوت (Diodote) موسوم به تریفون (آیه ۳۹) به وی تسلیم گردید.  
 a. در واقع بطلمیوس فقط بقاع سوریه را حفظ کند که از آغاز سلطنت خود مدعی بود که جهیزه مادرش کلتوباترای اول بوده است.

راه افتاد تا شکستش دهد، وی نیز پیش آمده با لشکری بزرگ به مقابله اش شتافت و وی را وادار به هزیمت کرد<sup>b</sup>. ۱۶ اسکندر برای یافتن پناهگاهی به عربستان گریخت و بطلمیوس پادشاه پیروز شد. ۱۷ زبدئیل<sup>c</sup> عرب، سر اسکندر را برید و برای بطلمیوس فرستاد. ۱۸ بطلمیوس پادشاه روز بعد<sup>d</sup> درگذشت و کسانی که در قلعه بودند به دست ساکنانش کشته شدند. ۱۹ دیمیتریوس به سال صد و شصت و هفت<sup>e</sup> پادشاه شد.

### عهدنامه جدید دیمیتریوس دوم نسبت به یهودیان

۲۰ در این روزها یوناتان افراد یهودیه را برای حمله به قلعه اورشلیم<sup>f</sup> آماده می کرد و علیه آن منجیق های بسیار ساخت. ۲۱ برخی که از ملت خود متنفر بودند، مردان خود فروخته، نزد پادشاه رفتند و به وی اعلام داشتند که یوناتان قلعه را محاصره کرده است. ۲۲ دیمیتریوس همین که دانست خشمگین گردید و حرکت کرده به بطالسه ۱۵:۵ آمد و به یوناتان نوشت تا محاصره را

متوقف سازد و برای مذاکره با وی هر چه زودتر به بطالسه برود. ۲۳ وقتی یوناتان این را دانست دستور داد محاصره را دنبال کنند و بعد برخی از مشایخ اسرائیل به همراه چند کاهن را برگزیده با ایشان به مقابله خطر شتافت. ۲۴ با برداشتن نقره، طلا، جامه ها و دیگر هدایا به مقدار زیاد به بطالسه نزد پادشاه شد و در برابر وی عزت یافت<sup>g</sup>. ۲۵ برخی از بی قانونان از وی شکایت ۴۴:۲ کردند<sup>۲۶</sup> اما پادشاه با وی همان رفتاری را کرد که با گذشتگان رفتار کرده بودند: وی در برابر همه دوستانش از او تمجید کرد، ۲۷ مقام سلطنت کهانتی<sup>h</sup> و همه افتخاراتی را که از پیش داشت تأیید نمود و وی را در رأس نخستین دوستان قرار داد. ۲۸ یوناتان از پادشاه درخواست کرد یهودیه و سه حاکم نشین سامری را از مالیات معاف ۳۸:۳۰:۱۰ دارد و وی راسیصد تالان<sup>i</sup> وعده داد. ۲ مک ۱۱:۳ ۲۹ پادشاه موافقت کرد و درباره همه این ها نامه ای به این مضمون به یوناتان نوشت: ۳۰ «از دیمیتریوس پادشاه به برادرش<sup>j</sup> یوناتان و به ملت یهود! ۳۱ نسخه ای از نامه ای را که درباره شما به لاستنس،

- b. نبرد بر ساحل اوانوپاروس (Oinoparos) که اکنون آن را نهر افرین (Nahr Afrin) می نامند که در شمال انطاکیه است.  
 c. معنای این نام «عطیة ثیل» است. دیودور که به نام یونانی خود دیوکلس نامیده می شد تأکید می ورزد که بالاس پسرش آنتیوخوس ششم را به وی سپرده بود.  
 d. سرافکنده و شرمسار در مدت نبرد، روز پنجم در حالی که به خاطر مرگ رقیب خود غرق در شادی بود، درگذشت (یوسفوس، آثار باستانی یهود، ۱۱۷:۱۳ و ادامه).  
 e. بین ماه های اوت و سپتامبر ۱۴۵ ق.م.  
 f. دیمیتریوس از قلعه چشم پوشی کرده بود، ۳۲:۱۰ و بالاس این واگذاری را تأیید می کند، ۴۷:۱۰، قصد یوناتان واقعیت بخشیدن به آن بود.  
 g. سبک عبری: ر.ک. ۶۰:۱۰.  
 h. قبلاً توسط بالاس مورد تأیید قرار گرفته بود، ۲۰:۱۰.  
 i. یوناتان از پادشاه درخواست می کند که نظام خراج را برای یهودیه و سه نام (محل هایی با سه نام) برقرار نماید، چیزی که از سوی دیمیتریوس اول نیز پیشنهاد شده بود. طبق سنت مبلغ آن ۳۰۰ تالان بود و نه مالیات ارضی.  
 j. یوناتان «خویش پادشاه» نامیده می شود و لذا تمام عناوینی که بالاس به وی داده بود، مورد تأیید قرار می گیرند.

معروض دید باشد؛ داشته شود.))  
**یوناتان دیمیتریوس دوم را در  
 انطاکیه امداد می کند**

<sup>۳۸</sup> دیمیتریوس پادشاه وقتی دید که کشور در برابرش آرام گردیده و هیچ کس با او ایستادگی نمی کند، همه لشکریانش را و هر یک را به خانه هایشان فرستاد، به استثنای لشکر بیگانه ای که از جزایر ملت ها<sup>o</sup> گردآوری کرده بود. آنگاه همه لشکریانی که از پدرانش داشت خصم وی شدند. <sup>۳۹</sup> تریفون<sup>p</sup> که در گذشته از افراد اسکندر بود وقتی دید که همه لشکریان علیه دیمیتریوس زمزمه می کنند به نزد ایملکوئیل<sup>q</sup> عرب شد که آنتیوخوس جوان، پسر اسکندر را پرورش می داد. <sup>۴۰</sup> از او خواست وی را رها کند تا به جای پدرش سلطنت نماید و آنچه را دیمیتریوس مرتکب شده بود و خصومتی که لشکریان با وی داشتند، برایش بازگو کرد و مدت زمان درازی آنجا ماند.

<sup>۴۱</sup> یوناتان فرستاد تا از دیمیتریوس پادشاه بخواهند همه کسانی که در قلعه اند و همچنین کسانی که در دژ بوده اند رانده شوند زیرا با اسرائیل جنگ کرده اند.

خویش خود نوشته ایم برای شما هم می فرستیم تا از آن وقوف یابید. <sup>۳۲</sup> از دیمیتریوس پادشاه به پدرش<sup>k</sup> لاستنس، سلام! <sup>۳۳</sup> به ملت یهود که دوستان ما هستند و آنچه را نسبت به ما رواست رعایت می کنند، به خاطر احساسات نیکشان نسبت به ما تصمیم گرفته ایم در حقشان نیکوئی کنیم. <sup>۳۴</sup> و قلمرو یهودیه و سه نام افرا، لده و رامه تایم<sup>l</sup> را به آنان تاکید می کنیم. اینها به نفع کسانی که در اورشلیم قربانی می گذرانند و از سامره به یهودیه ضمیمه شده اند، با همه آنچه به آنان پیوسته است، به عوض حقوق سلطنتی که در گذشته پادشاه هر ساله بر محصول زمین و اشجار<sup>m</sup> از آنان دریافت می کرد. <sup>۳۵</sup> درباره آنچه هنوز به منزله عشریه به دستمان می رسد و عوارضی که به ما بدهکارند و همچنین شوره زارها و تاج هائی که به ما بدهکارند، از هم اکنون همه آنها<sup>n</sup> را به ایشان بخشیدیم. <sup>۳۶</sup> از این پس و هیچ زمانی از هیچ یک از این موازین تخطی نخواهد شد. <sup>۳۷</sup> دقت کنید نسخه ای فراهم آورید تا برای یوناتان فرستاده شود و بر روی کوه مقدس در جائی که به خوبی در

k. لاستنس که از اهالی جزیره کرت بود و از آنجا مزدورانی گرد آورده بود که باعث شد دیمیتریوس بر تخت جلوس کند متصف به صفت دوست یا خویش پادشاه گردید.

l. به ترتیب عبارتند از: افرایم (یوشع ۱۸:۲۳)، لود (۱-توا ۸:۱۲) و رامه (۱-سمو ۱:۱ = رامیانی مذکور در مت ۲۷:۵۷).

m. در مورد این سه محل، برخلاف تقاضای یوناتان آیه ۲۸، مالیات ها باید به پادشاه و تحت اختیار دیمیتریوس اول (۱۰:۳۱) پرداخت می شد.

n. محدودیت جدید نسبت به عهدنامه پیشین: در میان امتیازات عهدنامه، دیگر واگذاری قلعه اورشلیم مطرح نیست.

o. اصطلاح کتاب مقدس: ر.ک. پید ۵:۱۰ و غیره، بیشتر منظور جزیره کرت است (۱۰:۶۷)، لاستنس کرتی باید به پادشاه جوان تلقین کرده باشد تا تصمیم به این اقدام ناشیانه اقتصادی بگیرد تا خود را از دسته های آشوری و مقدونی که دشمن وی بودند خلاص کند و فقط موظف به نگهداری مزدوران کرتی باشد.

p. در مورد تریفون ر.ک. آیه ۱۳، توضیح.

q. شاید وی پسر زبیدیل باشد (آیه ۱۷). نامش به معنای «خدا سلطنت می کند» است، وی ساکن کالسی در غرب حلب بود که امروز قینصرین (Qinnesrin) نامیده می شود.

انداختند و صلح نمودند. پس از آن که این چنین خود را در برابر پادشاه و در برابر همه قلمروش غرق افتخار نمودند با غنائمی سرشار به اورشلیم بازگشتند.<sup>۵۲</sup> دیمیتریوس پادشاه بر تخت سلطنتی<sup>۱</sup> نشست، و کشور در برابرش به آرامش ۳۸:۱۱ رسید.<sup>۵۳</sup> اما آنچه را گفته بود، انکار کرد و با یوناتان چون بیگانه رفتار نمود و هیچ یک از خدماتی را که او در باره وی کرده بود،<sup>۲۴:۶</sup> انجام نداد و بسیار باعث رنجش گردید.

### جانبداری یوناتان از آنتیوخوس

**ششم بر ضد دیمیتریوس دوم**  
<sup>۵۴</sup> پس از آن، تریفون و به همراه وی آنتیوخوس، پسر بچه ای نارس که پادشاه گردید و دیهیم<sup>۱۱</sup> بر سر نهاد، باز آمدند.<sup>۵۵</sup> نزد وی تمام دسته هائی که دیمیتریوس با نفرت رانده بود گرد آمده علیه فرد اخیر که فرار کرده بود جنگیدند.<sup>۵۶</sup> تریفون فیلان را گرفته انطاکیه<sup>۷</sup> را تسخیر کرد.<sup>۵۷</sup> آنتیوخوس جوان بدین مضمون به یوناتان نوشت: «سلطنت کهنانتی تو را تائید می کنم، تو را در رأس چهار نام<sup>۱۳</sup> قرار می دهم و می خواهم که از دوستان پادشاه باشی.»<sup>۵۸</sup> همان زمان برایش ظروف زرین و یک دست ظروف خوان فرستاده وی را اجازه داد تا در جام زرین

<sup>۴۲</sup> دیمیتریوس فرستاده به یوناتان گفت: «نه تنها این را برای تو و ملت تو انجام خواهم داد بلکه تو و ملت تو را همین که فرصت مناسب بیابیم غرق در افتخار<sup>۲</sup> خواهم کرد.<sup>۴۳</sup> اکنون خوب است که برایم مردانی بفرستی تا به همراه من بجنگند، زیرا همه افواج من شکست خورده اند.»<sup>۴۴</sup> یوناتان از انطاکیه برایش سه هزار مرد<sup>۱:۸</sup> فرستاد، جنگجویانی دلاور. اینان به نزد پادشاه رفتند و پادشاه از آمدن آنها شاد گردید.<sup>۴۵</sup> مردمان شهر در مرکز شهر گرد هم آمدند، شمارشان تقریباً صد و بیست هزار نفر بود که خواستار نابودی پادشاه بودند.<sup>۴۶</sup> پادشاه به کاخ پناه برده بود، مردمان شهر کوچه ها را اشغال کردند و به نبرد پرداختند.<sup>۴۷</sup> پادشاه یهودیان را به یاری خود طلبید و اینان نیز همه به دور او گرد آمدند و سپس در شهر شایع شد که آن روز تقریباً صد هزار نفر را کشتند.<sup>۴۸</sup> شهرها را آتش زدند و در آن روز غنائم بسیاری برگرفته پادشاه را نجات دادند.<sup>۴۹</sup> وقتی مردمان شهر دیدند که یهودیان شهر را به دلخواه خود ساخته اند، روحیه خود را از دست دادند<sup>۵</sup> و به سوی پادشاه فریادهای تضرع آمیز کشیدند:<sup>۵۰</sup> «دست راست را به ما ده و یهودیان از مبارزه با ما و با شهر دست بکشند!»<sup>۵۱</sup> اسلحه های خود را

I. تحت اللفظی: تو را مفتخر به فخر می کنم، سبک سامی: ر.ک. ۱۴:۲۹-۳۹.

S. تحت اللفظی: در اندیشه خود ضعیف گردیدند. سبک عبری: ر.ک. ۱۰:۷۴.

T. سبک عبری: ر.ک. ۷:۴.

II. آنتیوخوس ششم از تابستان سال ۱۴۴ سلطنت کرد و دو سال بعد توسط تریفون به هلاکت رسید (۱۳:۳۱).

V. مقارن تابستان ۱۴۴ دیمیتریوس به سرزمین های ساحلی سلوکیه بازگشت و از آنجا بر قلیقیه و بین النهرین نظارت می کرد. از شهرهای ساحلی تنها صور و صیدا و غزه به وی وفادار مانده بودند.

W. چهارمین نام «عقریم» است (۵:۳).



بیت صور موضع گرفت، روزهای دراز حمله برد و آن را محاصره کرد.<sup>۶۶</sup> درحالی که محاصره شدگان از وی خواستند دست راستشان را بپذیرد، وی پذیرفت اما آنان را وادار به تخلیه شهر کرد، شهر را اشغال نموده و در آنجا پادگانی<sup>c</sup> مستقر کرد.<sup>۶۷</sup> یوناتان و لشکرش در نزدیکی آب های جناسر<sup>d</sup> موضع گرفته صبح زود به دشت حاصور<sup>e</sup> رسیدند.<sup>۶۸</sup> و اینک لشکر بیگانه در دشت از مقابل وی پیشروی می کرد؛ آنان علیه وی برکوه ها کمینگاهی ایجاد کرده بودند، درحالی که لشکر به مقابل ایشان به پیش می رفت.<sup>۶۹</sup> با این وجود مردانی که در کمینگاه بودند از موضع خود برجسته جنگ را آغاز کردند.<sup>۷۰</sup> افراد یوناتان همه پا به فرار گذاشتند، حتی یک تن از آنان نماند، مگر متیاس پسر ابشالوم<sup>f</sup> و یهودا پسر خلفی رئیس لشکریان.<sup>۷۱</sup> یوناتان جامه بر تن درید<sup>g</sup>، خاک بر سرخود ریخته و نیایش کرد؛<sup>۷۲</sup> سپس برای جنگیدن به سوی دشمنان بازگشت، آنان را به هزیمت واداشت و آنان گریختند.<sup>۷۳</sup> با

نوشیده، جامه ارغوان<sup>x</sup> دربر کند و سنجاق زرین<sup>y</sup> بر سینه زند.<sup>۵۹</sup> برادرش شمعون را از اشل<sup>z</sup> صور تا مرزهای مصر استراتژ مقرر داشت.<sup>۶۰</sup> یوناتان عازم حرکت شده ماوراء فرات<sup>a</sup> و همچنین شهرهایش را درنوردید و در اطرافش هم لشکریان آشوری گرد آمدند تا با وی بجنگند. به اشقلون در آمد و افراد شهر با تشریفات به استقبالش رفتند.<sup>۶۱</sup> از آنجا عازم غزه شد. اهالی غزه دروازه ها را بستند، وی شهر را محاصره کرده شهرک هایش را به آتش کشید و شهر را چپاول کرد.<sup>۶۲</sup> اهالی غزه به سوی یوناتان تضرع کردند و وی دست راست خود را به آنان داد، اما پسران رؤسایشان را به گروگان گرفت و به اورشلیم فرستاد. بعد کشور را تا دمشق درنوردید.<sup>۶۳</sup> یوناتان با خبر شد که سرداران دیمیتریوس در قادش<sup>b</sup> جلیل با لشکری بی شمار هستند و می خواهند او را از وظیفه اش معزول دارند.<sup>۶۴</sup> درحالی که شمعون برادرش را در کشور باقی گذاشت به استقبال آنها رفت.<sup>۶۵</sup> شمعون نزدیکی

X. این امتیاز مربوط به پارس ها بوده است، ر.ک. ۳ (= ۱) عزرا ۵:۵.

Y. پس از بالاس و دیمیتریوس دوم، آنتیوخوس ششم نسبت به یوناتان مراحم خود را تجدید می کند و این امر شاهدهی بر قدرت هاسمونیان بود.

Z. تحت اللفظی: «اشل»، در واقع دو اشل در جنوب صور وجود دارد که معمولاً «اشل ها» نامیده می شوند. راه ساحلی بین صور و عکو از پیچ و خم و شیب های رأس العبید و رأس النوره می گذرد. این محل ها «برآمدگی های» هستند که در ۱-پاد ۱۶:۴ (متن هفتادتنان) به عبری «معلوت» نامیده شده اند که بعدها در متون تفسیری حاخامی از کتاب مقدس «بعلوت» گفته شده اند.

a. در واقع بقاع سوریه.

b. قادش نفتالی (یوشع ۲۲:۱۲) در ۳۶ کیلومتری جنوب شرقی صور.

c. یوناتان مایل به نظارت بر این قلعه بود که پایگاه جنوبی یهودیه محسوب می شد و بدین منظور در تابستان ۱۴۴ ق.م مداخله کرد.

d. ر.ک لود: ۱، دریاچه جنیسارت که در اعد ۱۱:۳۴ دریاچه کثرت گفته شده یا دریاچه طبریه یا دریای جلیل، یو: ۱:۶.

e. شهری در کنعان (یوشع ۱۰:۱۱) که از آن فقط قلعه ای مهم به علت موقعیت قرار گرفتن آن بین دریاچه جنیسارت و دریاچه قدیمی هوله باقی است.

f. احتمالاً همان فرد مذکور در ۲-مک ۱۷:۱۱ که به پسر دیگری اشاره می کند (۱-مک ۱۳:۱۱).

g. اصطلاح کتاب مقدس: ر.ک. یوشع ۶:۷ و مت ۲۶:۶۵.

که بر شما سلطنت می کرد فرستاده شده، به این مضمون که شما برادران ما هستید همان گونه که نسخه ضمیمه، حاوی آن است.<sup>۸</sup> اونیا کسی را که فرستاده شده بود با تشریفات پذیرفت و نامه را که در آن به روشنی از اتحاد و دوستی سخن رفته بود دریافت کرد.<sup>۹</sup> برای ما، بی آن که نیازی داشته باشیم، چرا که کتاب های مقدس<sup>۱</sup> را در دست داریم که ما را تسلی می بخشند<sup>۱۰</sup> به خود اجازه داده ایم تا برای تجدید برادری و دوستی که ما را به شما مربوط می سازد کسی را فرستیم تا رفتار غریبه ها را با شما نداشته باشیم. زیرا از وقتی این نامه را برای ما فرستاده اید سال ها می گذرد.<sup>۱۱</sup> از طرف ما در هر فرصتی، در اعیاد و دیگر روزهای خاص، در قربانی هایی که تقدیم می کنیم و نیایش هایمان همان گونه که بجا و شایسته است که از برادران یاد شود از یادآوری شما باز نایستاده ایم.<sup>۱۲</sup> از افتخارات شما غرق در شادی می گردیم.<sup>۱۳</sup> برای ما مصیبت های بسیار و جنگ های بسیار از هر سو وارد شده است و پادشاهانی که ما را احاطه کرده اند با ما جنگیده اند.<sup>۱۴</sup> نخواستیم مزاحم شما و دیگر متحدان و دوستان در مورد این جنگ ها گردیم.<sup>۱۵</sup> زیرا برای کمک به خود، کمک

دیدن آن، افرادی که در حال گریز بودند به سوی وی بازگشته به همراه وی آنان را تا اردوی دشمن در قادش تعقیب کردند و خود آنان در آن محل اردو زدند.<sup>۱۶</sup> آن روز حدود سه هزار مرد از بیگانگان درافتادند. سپس یوناتان به اورشلیم بازگشت.

### تجدید پیمان یوناتان با روم

<sup>۱۱</sup> یوناتان که دید شرایط مناسب است **۱۲** مردانی برگزید و برای تأیید و تجدید دوستی با رومیان به روم فرستاد.<sup>۱</sup> به اسپارتیان<sup>۱</sup> و جاهای دیگر نامه هایی به همان مضمون فرستاد.<sup>۳</sup> لذا آنان به روم آمده وارد سنا شدند و گفتند: «یوناتان، کاهن اعظم و ملت یهود ما را برای تجدید دوستی و اتحاد همان گونه که در گذشته بود، فرستاده اند.»<sup>۴</sup> به مصادر محلی نامه هایی دادند که در آنها سفارش شده بود ایشان را در صلح و صفا به کشور یهودیه بدرقه نمایند.<sup>۵</sup> و این است نسخه نامه ای که یوناتان به اسپارتیان نوشت:

<sup>۶</sup> «(از) یوناتان، کاهن اعظم، سنای ملت<sup>۱</sup>، کاهنان و بقیه ملت یهود به اسپارتیان برادران شان درود باد!<sup>۷</sup> قبلاً یک نامه به اونیا، کاهن اعظم، از سوی آریوس<sup>k</sup>

h. تجدید عهدنامه اعلام شده در ۲۲:۸-۲۳. این روش از ویژگی های آن زمان بوده است ر.ک. ۱۴:۱۸-۲۲.  
 i. این اقدام در مورد اسپارت قابل درک است زیرا این شهر در حال ترقی و نصیح بود. ماموریت های دیگر موکول به بازگشت از روم می شود، ر.ک. ۱۵:۲۲-۲۳.  
 j. در واقع سنا، شورای مشایخ بوده، ر.ک. ۳۵ و ۲-مک:۱، ۱۰:۱۳، ۱۳:۱۳. به هر حال در ۲-مک:۴:۴ و ۲۷:۱۱ می تواند سنا به معنای یونانی واژه باشد.  
 k. نامه توسط آریوس اول فرستاده شده بود (۳۰۹-۲۶۵) که دارای همنامی با سلسله کهنانتی اونیاست، یوسفوس مورخ، واقعه را مربوط به زمان اونیا سوم که در ۱۷۴ ق.م درگذشت می داند.  
 l. تنها تأکید درباره این اصطلاح کتاب مقدس.

### لشکرکشی های یوناتان در بقاع سوریه و شمعون در فلسطین

<sup>۲۴</sup> یوناتان باخبر شد که سرداران دیمیتریوس با لشکری فزون تر از پیش برای جنگ با وی بازگشته اند. <sup>۲۵</sup> از اورشلیم حرکت کرد و در سرزمین حمات<sup>P</sup> به مقابله آنها پیشروی نمود تا مجالی برای محاصره کشورش نگذارد. <sup>۲۶</sup> جاسوسانی به اردوی آنان فرستاد و آنان در بازگشت وی را خبر دادند که دشمنان چنان موضع گرفته اند که شب بر آنها فرود آیند. <sup>۲۷</sup> وقتی آفتاب غروب کرد، یوناتان به افرادش دستور داد بیدار مانده مسلح شوند تا آماده نبردی در تمام شب باشند، و پیش قراولانی اطراف اردو مستقر کرد. <sup>۲۸</sup> وقتی دشمنان باخبر شدند که یوناتان و افرادش آماده نبرد هستند، ترسیدند و با قلبی هراسناک، در اردوی خود آتش افروختند. <sup>۲۹</sup> اما یوناتان و طرفدارانش متوجه (عزیمت آنان) نشدند مگر صبح زیرا آتش افروخته را می دیدند <sup>۳۰</sup> یوناتان به تعقیب آنان پرداخت، اما آنها را به چنگ نیاورد زیرا از رودخانه الوتر<sup>Q</sup> گذشته بودند. <sup>۳۱</sup> یوناتان علیه اعراب موسوم به زبدی<sup>R</sup> روی گردانیده آنها را شکست داد و غنایمشان را گرفت. <sup>۳۲</sup> سپس اردو را برجیده به دمشق رفت و همه منطقه را

آسمان<sup>m</sup> را داریم و ما از دست دشمنان خود خلاص گشته ایم درحالی که دشمنان ما خوار و خفیف گشتند. <sup>۱۶</sup> نومیوس پسر آنتیوخوس و آنتی پاتر پسر یاسون<sup>n</sup> را برگزیده آنها را به سوی رومیان گسیل داشتیم تا دوستی و اتحادی را که ما را به آنان در گذشته مربوط می داشت، تجدید کنند. <sup>۱۷</sup> از آنان خواسته ایم که به نزد شما هم بیایند، شما را درود فرستند و نامه ما را درباره تجدید برادریمان تسلیم دارند. <sup>۱۸</sup> و اکنون شایسته است که در این باره به ما پاسخ دهید.»

<sup>۱۹</sup> و این است نسخه نامه ای که به اونیاس فرستاده بودند: <sup>۲۰</sup> از آریوس، پادشاه اسپارتیان به اونیاس کاهن اعظم درود! <sup>۲۱</sup> در نوشته ای درباره اسپارتیان و یهودیان چنین یافت شده است که آنها برادر و از نژاد ابراهیم اند <sup>۲۲</sup> و اینک که این را می دانیم، شایسته است درباره خود به ما بنویسید. <sup>۲۳</sup> آنچه ما راست به شما می نویسیم: چهار پایان و اموال شما، مال ما هستند و آنچه مال ماست مال شما باشد. در نتیجه فرمان می دهیم که به این مضمون پیامی برای شما بیاورند.

m. آسمان، به جای نام خدا که به خاطر احترام حذف می گردد، ر.ک. ۱۸:۳.

n. قابل انطباق با نام روایت شده در ۱۷:۸.

o. این افسانه در اسپارت بر سر زبان ها بوده است یعنی وقتی یاسون به آنجا پناهنده می شود (پس از سال ۱۶۸). نوشته ای که (۲-۵:۹) درباره اسپارتیان و تعلق آنان به آریوس اول بوده شاید منشأ آن مهاجرنشین یهودی اسپارت بوده باشد.

p. سرزمین حمات (۲-۸:۹). در واقع این منطقه مرتبط با آپامن (Apamene) سلوکی است. آپامن در حاشیه شمال شرقی بقاع سوریه واقع و تابع یوناتان بود.

q. ر.ک. ۷:۱۱ این جریان آب احتمالاً تشکیل دهنده مرز شمال غربی بقاع سوریه بوده است.

r. این نام در مطالعات تاریخی و جغرافیایی «زبدانی» ثبت شده و شهر کوچکی واقع در بین ماوراء لبنان و دمشق بوده است.

بر آنتیوخوس پادشاه بود.<sup>۴۰</sup> از بیم آن که یوناتان نگذارد این کار انجام گیرد و بر ضد وی نجنبند، در صدد دستگیری او برآمد تا وی را نابود کند. پس حرکت کرده به بیت‌شان آمد.<sup>۴۱</sup> یوناتان با چهل هزار مرد برگزیده برای نبرد به بیت‌شان برای مقابله با وی برآمد.<sup>۴۲</sup> تریفون که دید با لشکری فراوان آمده است از دست درازی بر وی خودداری کرد.<sup>۴۳</sup> وی را با تشریفات پذیرفت، سفارش وی را به همه دوستانش کرد، هدایا به او تقدیم داشته به دوستان و لشکریانش دستور داد از او چون از خودش اطاعت کنند.<sup>۴۴</sup> به یوناتان گفت: «چرا باعث زحمت مردم شدی درحالی که بین ما تهدید جنگی وجود ندارد؟<sup>۴۵</sup> پس آنان را به خانه‌هایشان بازگردان، برای ملازمت با خودت چند مرد برگزین و بامن به بطالسه بسیا. آن را به تو واگذار خواهم کرد و همچنین قلعه‌هائی<sup>x</sup> دیگر را، باقی مانده لشکریان و همه مأموران را، بعد من باز خواهم گشت؛ زیرا بدین منظور به اینجا آمده‌ام.»<sup>۴۶</sup> یوناتان با اعتماد به وی برابر آنچه گفته بود عمل کرد: لشکریانش را پس فرستاد که به سرزمین یهودیه بروند.<sup>۴۷</sup> با خود سه هزار مرد بیشتر نگاه نداشت که دو هزار را هم در جلیل باقی گذارد و هزار نفر با وی می‌بودند.<sup>۴۸</sup> اما وقتی یوناتان وارد

درنوردید.<sup>۳۳</sup> اما شمعون، حرکت کرده تا اشقلون و مکان‌های مجاور پیش رفت و بعد به سوی یافا چرخیده آغاز به حمله کرد.<sup>۳۴</sup> در واقع باخبر شده بود که ساکنان آن می‌خواستند آنجا را به افراد دیمیتریوس واگذار کنند. در آنجا برای نگهبانی پادگانی گماشت.<sup>۵</sup>

### یوناتان اورشلیم را تقویت می‌کند

<sup>۳۵</sup> یوناتان در بازگشت با مشایخ قوم<sup>t</sup> انجمن کرده با آنان تصمیم به ساختن قلعه‌هائی در یهودیه<sup>۳۶</sup> و مرتفع‌تر کردن حصار اورشلیم و برافراشتن دیواری بزرگ بین قلعه و شهر برای جدا کردن آن از شهر<sup>u</sup> گرفت تا آن که مجزا شده به نحوی که (افراد) نتوانند نه بخرند و نه بفروشند.<sup>۳۷</sup> برای دوباره ساختن شهر گرد هم آمدند زیرا یک بخش از دیوار توسط مسیلی که در طرف مشرق است فرو ریخته بود و آن را که نامش شفتانا<sup>v</sup> بود به وضع اول برگرداندند.<sup>۳۸</sup> اما شمعون، حادی<sup>w</sup> را در سرزمین سفلی دوباره ساخت، آن را مستحکم کرد و بر آن دروازه‌ها و کلون‌ها گذاشت.<sup>۵۰:۹</sup>

### یوناتان به چنگ تریفون می‌افتد

<sup>۳۹</sup> با این وجود، تریفون در صدد سلطنت بر آسیا، دیهیم بر سر نهادن و دست درازی

S- یوناتان در اینجا وسیله ای می‌یابد تا به نام آنتیوخوس ششم عمل کند و در عین حال یهودیان را مشمول عنایات سازد، ر.ک. ۵:۱۴.  
 t- مجمع قوم، ۶:۱۲ و اعدا: ۱۸-۱۹، عزرا ۱:۱۰، این مجمع محدود یادآور مجمع روایت شده در نج ۱۵:۲-۱۶ است.  
 u- قلعه هنوز در دست طرفداران دیمیتریوس بود، ۲۰:۱۱.  
 v- شفتانا واژه آرامی است که احتمالاً به معنای جفت است. محله مذکور در کتاب ۲-پاد ۲۲:۱۴ قید شده و در شمال غربی معبد واقع بوده که میشنه (mishneh) نامیده می‌شد، البته نسبت به شهر که بین دو حصار قرار داشت.  
 w- حادید روایت شده در عز ۲:۳۳ واقع در ۶ کیلومتری شمال شرقی لیدا (لدو-لود)، ر.ک. ۱۳:۱۳  
 x- تریفون وانمود می‌کند که قدرت یوناتان را بر فنیقیه به رسمیت می‌شناسد.

بطالسه شد، اهالی بطالسه دروازه‌ها را بستند، وی را دستگیر کردند و با شمشیر همه کسانی را که با وی وارد شده بودند کشتند.<sup>۴۹</sup> تریفون لشکریان و آسوارانی برای از بین بردن همه مردان یوناتان به جلیل و دشت بزرگ<sup>۵۰</sup> فرستاد. اما اینان که باخبر شده بودند که وی و همراهانش را دستگیر و نابود کرده‌اند یکدیگر را تشجیع نموده در صفوف فشرده آماده جنگ شدند.<sup>۵۱</sup> آنانی که ایشان را تعقیب می‌کردند وقتی آنها را مصمم به دفاع از زندگی‌شان دیدند، بازگشتند.<sup>۵۲</sup> درحالی که آنان همگی صحیح و سالم<sup>۵۳</sup> به سرزمین یهودیه رسیدند برای یوناتان و همراهانش سوگواری برپا کردند و بسیار ترسیدند. سراسر اسرائیل سوگوار گردید.<sup>۵۳</sup> و همه ملت‌های اطراف در صدد نابود کردن آنها برآمدند زیرا می‌گفتند: «آنان نه رئیس و نه یآوری دارند، به آنان حمله کنیم و خاطره آنها را از مردم بزدائیم.»

### شمعون جانشین یوناتان می‌شود

۱۳<sup>۱</sup> شمعون با خبر شد که تریفون لشکری فراوان گرد آورده تا به سرزمین یهودیه رفته آن را نابود کند.<sup>۲</sup> با دیدن این که قوم را ترس و وحشت فرا

گرفته به اورشلیم فراز آمده قوم را گرد آورد.<sup>۳</sup> آنان را تشویق کرده گفت: «ای برادران، شما هر آنچه من و اهل بیت پدرم برای تورات و برای مکان مقدس کرده‌ایم می‌دانید و همچنین نبردها و بدبختی‌هایی را که تحمل کرده‌ایم<sup>۴</sup>، به خاطر همین بوده است که همه برادرانم برای اسرائیل کشته<sup>۵</sup> شده‌اند و من تنها<sup>۶</sup> مانده‌ام. و اینک دور از من باد که در چنین زمان مصیبتی، زندگی‌م را حفظ کنم! زیرا ارزش من بیشتر از برادرانم<sup>۷</sup> نیست. برعکس انتقام ملت خود، مکان مقدس، زنان و کودکان شما را خواهم گرفت زیرا همه ملت‌ها از روی خصومت برای از بین بردن ما متحد شده‌اند.»<sup>۸</sup> روحیه مردم وقتی این سخنان را شنیدند زندگی دوباره<sup>۹</sup> یافت،<sup>۱۰</sup> و آنان با صدائی قوی پاسخ دادند: «به جای یهودا و یوناتان برادرت، توئی که رهبر مائی.<sup>۱۱</sup> نبرد ۳۰:۹ ما را هدایت کن و آنچه را به ما بگوئی انجام خواهیم داد.»<sup>۱۲</sup> وی همه مردان جنگی را بیاراست، و در پایان بردن حصار اورشلیم تعجیل ورزید و همه اطراف را استحکام بخشید.<sup>۱۳</sup> سپس یوناتان (پسر) ۷۰:۱۱ ابشالوم را به همراه لشکریانی زیاد به یافا<sup>۱۴</sup> فرستاد، وی کسانی را که آنجا بودند براند و در آنجا مستقر شد.

y- واقع بین بیت‌شان و رود اردن. ر.ک. ۵۲:۵.

Z- تحت اللفظی: با صلح، سبک سامی: ر.ک. ۲۸:۷.

a- تحت اللفظی: که ما دیده بودیم، در واقع در زبان عبری «نگاه کردن» به معنای نوعی تجربه است، ر.ک. ۱-پاد ۱۰:۴.

b- در واقع یوناتان هنوز نمرده بود اما شمعون و قوم از آن بی‌اطلاع بودند.

c- اصطلاح مشابه در ۱-پاد ۱۹:۱۰-۱۴؛ روم ۱۱:۳.

d- همین اصطلاح در ۱-پاد ۱۹:۴.

e- این فعل در زبان یونانی از نقطه نظر لغوی به معنای «توانمند» شدن و دوباره روشن شدن است، در پید ۴۵:۲۷ دوباره زندگانی یافتن ترجمه شده است.

f- که شمعون به تصرف در آورده بود، ۱۲:۳۳-۳۴.

### شمعون، تریفون را که یوناتان را کشته بود براند.

۱۲ تریفون از بطالسه با لشکری فراوان به سوی سرزمین یهودیه حرکت کرد و یوناتان تحت الحفظ با وی بود. ۱۳ اما شمعون در حادید در برابر دشت موضع گرفت. ۳۸:۱۲  
 ۱۴ وقتی تریفون دانست که شمعون به جای برادرش یوناتان برخاسته است و آماده درگیری در جنگ است قاصدانی به سویش فرستاد تا بگوید: ۱۵ «یوناتان برادر تو را به خاطر پولی که باید به خزانه پادشاهی به خاطر منصبی که داشت بپردازد، توقیف کرده ایم. ۱۶ پس صد تالان نقره و دو تن از پسرانش را به عنوان گروگان بفرست مبادا اگر خلاص شد به ما خیانت کند آنگاه او را خلاص خواهیم کرد.» ۱۷ شمعون متوجه شد که آنها با خدعه با وی صحبت می کنند، اما فرستاد تا پول و کودکان را بگیرند از ترس آن که باعث جلب دشمنی بزرگی از سوی قوم نسبت به خود نشود. ۱۸ که بگویند: «چون من برای آنها پول و کودکان را نفرستادم (یوناتان) نابود گردید.» ۱۹ او کودکان و صد تالان را فرستاد اما (تریفون) منکر حرف خود شده یوناتان را آزاد نکرد ۲۰ بعد تریفون برای محاصره سرزمین و نابودی آن پیش راند، و

از راه آدورا<sup>g</sup> انحرافی جست اما شمعون و لشکرش هر جا می رفتند به موازات وی راه می سپردند. ۲۱ در این موقع کسان قلعه<sup>h</sup> به نزد تریفون قاصدانی فرستادند تا در آمدن به سوی آنان از راه صحرا شتاب کرده برایشان آذوقه بفرستد. ۲۲ تریفون تمام ۳۳:۹ آسوارانش را برای رفتن به آنجا آماده کرد اما آن شب برف سنگینی بارید و به خاطر برف نتوانستند حرکت کنند<sup>۱</sup>، (بعد) او حرکت کرده به جلعادیه<sup>۲</sup> رفت. ۲۳ با نزدیک شدن به بسکاما، یوناتان را کشته وی را در آن محل خاک کردند. ۲۴ تریفون بازگشته به سرزمین خود در آمد.

۲۵ شمعون فرستاد تا استخوان های یوناتان برادرش را تحویل بگیرند<sup>k</sup> و وی را در مودین شهر پدرانش به خاک سپرد. ۲۶ همه ۱:۲ اسرائیل بر وی سوگی عظیم سر دادند و روزهای دراز بر وی سوگواری<sup>۱</sup> کردند. ۲۷ بر قبر پدر و برادرانش، شمعون بنائی بلند که از دور دیده می شد با سنگ صیقلی از پشت و رو ساخت. ۲۸ هفت هرم برپا کرد، یکی در کنار دیگری<sup>m</sup>، برای پدر، مادر و چهار برادرش. ۲۹ برایشان تزئیناتی با ستون های گرداگرد<sup>n</sup> ساخت، بر ستون ها جنگ افزارها به یادبود ابدی گذاشت و در

g. ر.ک. ۲-توا ۹:۱۱، در ۸ کیلومتری غرب جبرون. تریفون هم همان مسیری را درپیش گرفته بود که لیسپاس ۲۹:۴، ۳۱:۶.

h. حصارى که یوناتان برافراشته بود شهر را از آن به بعد از قلعه جدا ساخت (۳۶:۱۲).

i. زمان این واقعه احتمالاً آغاز زمستان ۱۴۲-۱۴۳ بوده است.

j. احتمالاً جلیل صحیح تر است زیرا بسکاما در آیه بعدی تلفظ فشرده بیت سکما (=خانه توت انجیری sycomore) و تپه اسمک در قله کوه کرمل (به عبری شیکمونا Shiqmona) است. اعدام یوناتان درست قبل از استقرار تریفون صورت گرفت.

k. تحت اللفظی: فرستاده تحویل گرفت، ساختار عبری: ر.ک. ۲-پاد ۱۶:۲۳.

l. سبک عبری: ر.ک. ۱۴:۲.

m. بنا شده بر روی پایه. رأس ستون ها چون تاجی بر مقبره و دارای مشخصه و ویژگی هنر سوگواری آن عهد بوده است. (بنای یادبود بر خاک درگذشتگان با رعایت هنرهای سوگواری عهد).

n. گورهایی از این قبیل با ستون هایی که رأس آنها در هم فرو رفته و گاه با کتیبه های مزین به اسلحه، در شرق نزدیک به ویژه در ناحیه پطرا و دره قدرون دیده شده است.

که فرستاده بودید، دریافت کردیم؛ ما آماده انجام صلحی کامل با شما هستیم و به مأموران نوشته ایم عفو را به شما اعلام کنند.<sup>۳۸</sup> آنچه را برای شما مقرر داشته ایم، مقرر باقی خواهد ماند، قلعه‌هایی که بنا کرده‌اید برایتان بماند.<sup>۳۹</sup> تا به امروز خطاهای ناشی از عدم اطلاع و قصور را که مرتکب شده‌اید عفو می‌کنیم، همچنین به خاطر تاج که دین<sup>s</sup> شماست، و اگر حق دیگری در اورشلیم<sup>t</sup> نافذ است، که دیگر نافذ نباشد.<sup>۴۰</sup> اگر برخی از میان شما آماده‌اند تا جزو افراد گارد شخصی ما گردند نام نویسی کنند و صلح بین ما برقرار خواهد شد.»

<sup>۴۱</sup> در سال صد و هفتاد<sup>u</sup>، یوغ بیگانگان<sup>v</sup> از (گردن) اسرائیل برداشته شد<sup>۲</sup> و قوم روی قراردادهای و اسناد نوشتند: «نخستین سال شمعون کاهن اعظم برجسته، استراتژ و رهبر یهودیان<sup>w</sup>.»

### تصرف جازر و قلعه اورشلیم توسط شمعون

<sup>۴۳</sup> در این روزها شمعون نزدیکی جازر<sup>x</sup> موضع گرفت و با لشکریان خود آن را محاصره کرد و برج متحرکی ساخته به

اطراف جنگ افزارها نقوش برجسته از کشتی‌ها کنده کاری<sup>o</sup> کرد تا کسانی که بر دریا دریانوردی می‌کردند از دور ببینند.<sup>۳۰</sup> مقبره‌ای که در مودین ساخته شد این چنین است که تا امروز نیز وجود دارد.

### دیمیتریوس دوم عهدنامه خود با یهودیان را تشبیت می‌کند

<sup>۳۱</sup> در این زمان، تریفون با خدعه آنتیوخوس پادشاه جوان را کشت<sup>p</sup>.<sup>۳۲</sup> به جای وی سلطنت کرد، دیهیم آسیا را بر سر نهاد و به کشور<sup>q</sup> بسیار ظلم کرد.<sup>۳۳</sup> شمعون دزهای یهودیه را از نو بنا کرد و با برج‌های بلند احاطه‌اش نمود و حصارهای بزرگ با دروازه‌ها و کلون‌ها و ذخیره آذوقه در این قلعه‌ها فراهم آورد.<sup>۳۴</sup> سپس شمعون افرادی برگزید که به نزد دیمیتریوس پادشاه فرستاد تا برای کشور عفو طلب کنند زیرا اعمال تریفون جز غارت<sup>r</sup> نبود.<sup>۳۵</sup> دیمیتریوس پادشاه پاسخی مساعد به درخواست وی فرستاد و برایش نامه‌ای نوشت که چنین است:

<sup>۳۶</sup> «از دیمیتریوس پادشاه به شمعون کاهن اعظم و دوست پادشاهان، به مشایخ و ۲-مک ۱۴:۴ به ملت یهود درود!<sup>۳۷</sup> تاج زرین و نخل را

o. بی تردید می‌خواستند خاطره فتح دروازه‌های مدیترانه را گرامی بدارند.

p. برحسب نظم تقویمی صحیح باید جلوس تریفون، دستگیری دیمیتریوس و قتل آنتیوخوس باشد.

q. سبک عبری: ر.ک. ۲۲:۷.

r. متن عبری با نام تریفون (Tryphons) و تیرف (Tereph) به معنی غضب و غارت بازی می‌کند.

s. ر.ک. ۲۹:۱۰، منظور هدیه روایت شده در آیه ۳۷ نیست بلکه خراج سالانه مدنظر است.

t. به نظر چنین می‌رسد که اورشلیم و یهودیه از مالیات معاف بوده‌اند.

u. برحسب سنت یهودیان این رویداد در ۲۷ مه ۱۴۲ ق.م. بوده است.

v. نماد بردگی (ر.ک. ۱۸:۸) که به عنوان پرداخت مالیات تجسم یافته است.

w. برچیده‌شدگان‌های آشوری و مالیات‌ها نشانه دوران مهمی به سوی استقلال کامل است. در اینجا شمعون هنوز رهبری است که از سوی پادشاه منصوب شده است. منظور دوران خاصی نیست که ذکر شده بلکه سال آغازین رهبری شمعون می‌باشد.

x. ر.ک. ۱۵:۴ و غیره، طبق نوشته یوسفوس در آثار باستانی یهود، ۱۳، ۶ باید جازر صحیح و غزه غلط باشد.

را از نجاسات تطهیر کرد.<sup>۵۱</sup> یهودیان در روز بیست و سوم ماه دوم سال صد و هفتاد و یک<sup>z</sup> با آواز ستایش و نخل ها به آهنگ سه تارها<sup>a</sup>، سنج ها، چنگ ها با سرود و غزل ها به آنجا وارد شدند زیرا دشمن بزرگی نابود شده بود.<sup>۵۲</sup> شمعون مقرر داشت که هر سال این روز را با خرمی<sup>b</sup> جشن گیرند. کوه معبد را در راستای قلعه مستحکم گردانید و خود و افرادش ساکن آنجا شدند.<sup>۵۳</sup> سپس وقتی دید یوحنا پسرش<sup>c</sup> (اکنون) مردی شده است، شمعون وی را فرمانده همه لشکریان گردانید و وی ساکن جازر شد.

### مرگ دیمیتریوس دوم، تمجید از شمعون

۱۴<sup>۱</sup> در سال صد و هفتاد و دو،<sup>d</sup> دیمیتریوس پادشاه، لشکریانش را گرد آورده برای گرفتن کمک به جهت شکست تریفون به ماد رفت.<sup>۲</sup> آرساکس<sup>e</sup> پادشاه پارس و ماد وقتی دانست که دیمیتریوس به سرزمین وی وارد شده است، یکی از سردارانش را فرستاد تا وی را زنده<sup>f</sup> دستگیر کند.<sup>۳</sup> وی نیز به آنجا رفته لشکر دیمیتریوس را شکست داد، او را

مقابل شهر آورد و یکی از باروها را ویران کرده به تصرف در آورد.<sup>۴۴</sup> آنانی که در برج متحرک بودند به شهر پریدند و در آنجا غریبوی بزرگ برپا کردند.<sup>۴۵</sup> ساکنان شهر با زنان و فرزندانشان، با جامه های دریده، به حصار شهر فراز آمده فریادهای بلند بر آوردند و از شمعون می خواستند که دست راست خویش را به آنان بدهد و می گفتند<sup>۴۶</sup> «برابر بدی هایمان با ما رفتار مکن، بلکه برابر رحمت خود.»<sup>۴۷</sup> شمعون با آنان صلح کرد و جنگ نمود. اما آنان را از شهر راند و خانه هائی را که در آنها بت گذاشته بودند تطهیر کرد و با سرود و سپاسگزاری وارد شهر شد.<sup>۴۸</sup> همه نجاسات را تطهیر کرد و مردانی بر گماشت تا به تورات عمل کنند، سپس آنجا را مستحکم گردانیده در آنجا مسکنی برپا نمود.

<sup>۴۹</sup> در این زمان افراد قلعه در اورشلیم که از رفت و آمد آنها برای خرید و فروش<sup>۷</sup> ممانعت می شد از گرسنگی بسیار رنج کشیده تعدادی از آنها از قحطی مردند.<sup>۵۰</sup> آنها از شمعون درخواست کردند که دست راست ایشان را بپذیرد و مورد قبول قرار گرفت اما آنها را از آنجا راند و قلعه

y- این وضع ۲ سال بود که دوام داشت، ر.ک. ۳۶:۱۲.

z- ۴ ژوئن ۱۴۱ ق.م.

a- همان سازهای موسیقی روایت شده در ۱-توا ۱۶:۱۵-۲۸.

b- این روز آخرین روز حضور پادگان سلوکی در اورشلیم بود که ۲۶ سال دوام یافته بود.

c- این فرد همان کسی است که در آینده به یوحنا هیرکان معروف می گردد.

d- از اکتبر ۱۴۱ تا سپتامبر ۱۴۰ ق.م.

e- تیرداد (مهرداد) اول که آرساکس ششم نیز نامیده می شد (۱۷۱-۱۳۸). وی بنیانگذار قدرت پارتی بود [منظور اشک ششم مهرداد اول است که قدرت کامل به سلسله اشکانی داد. بخشی از جریان وقایع در این باب و از جمله جنگ با یهودیان مصادف با سلطنت اوست. ر.ک. تاریخ ایران باستان، کتاب هشتم: سلوکی ها، ص ۲۲۲۰-۲۲۲۱، تألیف مشیرالدوله پیرنیا].

f- تاریخ دستگیری مقارن سال ۱۳۹ ق.م بوده است.



نیک بختی بود،  
و مردان جوان برای زیور<sup>۱</sup>، جامه رزم بر  
تن می کردند.  
<sup>۱۰</sup>وی برای شهرها آذوقه فراهم آورد،  
آنها را با استحکامات قوت بخشید،  
تا جائی که شهرت افتخارش به دورترین  
سرزمین ها رسید.  
<sup>۱۱</sup>صلح را در کشور برقرار کرد،  
و اسرائیل به شادمانی بزرگی دست  
یافت.  
<sup>۱۲</sup>هرکس به زیر تاک و درخت انجیر<sup>m</sup>  
خود نشسته بود،  
و کسی برای ترساندن آنان وجود نداشت.  
<sup>۱۳</sup>از جنگیدن با ایشان در کشور دست  
کشیده شد  
و در این روزها، پادشاهان در هم  
شکستند.  
<sup>۱۴</sup>وی همه فروتنان قومش<sup>n</sup> را قوت  
بخشید،  
و برای تورات خود را غیرتمند نشان داد  
و همه کسانی را که از تورات روی  
گردانیده بودند و بی دینان را نابود کرد.  
<sup>۱۵</sup>افتخار مکان مقدس را دوباره  
برگردانید  
و اموال منقولش را افزونی بخشید.

گرفته به نزد آرساکیس آورد که وی را  
تحت الحفظ قرار داد<sup>g</sup>.

۵۰:۷:۳:۱ <sup>۴</sup> سرزمین یهودیه در تمامی روزهای  
دوران شمعون آرام بود.

وی در پی خوشبختی ملت بود،  
و همه اختیاراتش پذیرفته شده بود،  
همچنین شکوه همیشگی اش.

<sup>۵</sup>افزوده بر عناوین افتخارش،

۳۳:۱۲ یافا را برای آن که بندری از آن بسازد  
گرفت،

و از آنجا راهی به سوی جزایر دریاها  
گشود.

<sup>۶</sup>قلمرو ملتش را وسعت بخشید  
و کشور را محکم نگاه داشت.

<sup>۷</sup>اسیران<sup>h</sup> بی شمار آورد.

وی مالک جازر، بیت صور و قلعه<sup>i</sup>  
گردید،

که از آنها نجاسات را بزدود؛

و کسی نبود در برابرش ایستادگی کند.

<sup>۸</sup>مردم زمین هایشان را در آرامش  
می کاشتند،

زمین محصول خود را می داد

و درختان دشت میوه هایشان را<sup>j</sup>.

<sup>۹</sup>کهنسالان در میادین نشسته<sup>k</sup>،

از تنها چیزی که سخن می گفتند

<sup>g</sup>- وی به سرزمین هیرکانی تبعید گردید.

<sup>h</sup>- تحت اللفظی: تعداد بیشماری از اسراء را گرد آورد، سبک عبری: ر.ک. ۲-توا ۲:۵؛ مقصود یهودیان جدا مانده در  
سرزمین های بیگانه اند، ر.ک. ۳:۹، ۵:۹-۳۶، ۴۵-۵۴.

<sup>i</sup>- ر.ک. ۱۳:۴۳-۴۸، ۱۱:۶۵-۶۶، ۱۳:۴۹-۵۲. سه پایگاه قدرتمند سلوکی که در یهودیه از همه مهمتر بودند.

<sup>j</sup>- اصطلاح کتاب مقدس: ر.ک. لاو ۲۶:۴.

<sup>k</sup>- اصطلاح کتاب مقدس: ر.ک. زک ۸:۴.

<sup>l</sup>- تحت اللفظی: افتخارات و لباس های جنگی. در خروج ۳۳:۵ عبارت یونانی «لباس های افتخار» که در زبان عبری به صورت  
«زیور» ترجمه شده.

<sup>m</sup>- اصطلاح کتاب مقدس: ر.ک. میک ۴:۴ و غیره.

<sup>n</sup>- ر.ک. ملت فروتن (قوم مظلوم)، مز ۱۸:۲۸؛ صف ۳:۱۲.

## اسپارت نامه‌ای به شمعون

## می فرستد. سفیر روم

۱۶ وقتی از روم تا اسپارت باخبر شدند که یوناتان در گذشته است، بسیار غمگین شدند. ۱۷ اما وقتی دانستند که برادرش شمعون به جایش کاهن اعظم گردیده و کشور و شهرهائی آن را محکم اداره می‌کند، ۱۸ بر الواح مفرغین برای تجدید دوستی و اتحادی که با برادرانش<sup>o</sup> یهودا و یوناتان منعقد کرده بودند، برای وی نوشتند. ۱۹ قرائت آن در مقابل انجمن اورشلیم به انجام رسید. ۲۰ و اینک نسخه‌ای از نامه‌ای P که اسپارتیان فرستادند:

«از داوران و شهر اسپارتیان به شمعون کاهن اعظم، به مشایخ، به کاهنان و به بقیه قوم یهود، برادرانش درود! ۲۱ سفیرانی که نزد قوم ما فرستاده شده بودند از شکوه و هیبت شما ما را باخبر کرده‌اند و از آمدن آنها شادمان شدیم. ۲۲ در میان تصمیم‌های قوم آنچه توسط آنها گفته شد ثبت کردیم: نومنیوس پسر آنتیوخوس و آنتیپاتر پسر یاسون، سفیران یهود برای تجدید دوستی که آنها را با ما متحد می‌دارد نزد ما

آمده‌اند. ۲۳ قوم را پسند افتاد که این مردان را با تشریفات پذیرفته و نسخه‌ای از سخنان آنها را در بایگانی عمومی قرار دهند تا قوم اسپارت یادبود آن را حفظ کند. نسخه‌ای از این برای شمعون، کاهن اعظم نوشته شد.»

۲۴ پس از آن<sup>q</sup>، شمعون نومنیوس را با سپری بزرگ از طلا<sup>r</sup> به وزن هزار فنطار به روم فرستاد تا بر اتحادی که با آنان<sup>s</sup> بسته بود تأکید کند.

## فرمان تجمع به افتخار شمعون

۲۵ وقتی قوم از آن باخبر شدند گفتند: «چه شهادتی از حق شناسی به شمعون و پسرانش ابراز داریم؟ ۲۶ زیرا وی، همچنین برادران و خانواده پدرش خود رامحکم نگاه داشته‌اند، با اسلحه دشمنان اسرائیل را رانده و آزادیش را برقرار کرده‌است.» این (سخنان) را بر روی الواح مفرغین حک کرده آن را بر استوانه‌هائی<sup>t</sup> در کوه صهیون نهادند. ۲۷ و اینک نسخه‌ای از آن متن: «هیجدهم ایلول سال صد و هفتاد و دو<sup>u</sup> که سومین سال<sup>v</sup> (سلطنت) شمعون کاهن اعظم برجسته در حصرمئیل<sup>w</sup> است،

o. ر.ک. ۲۲:۸، تجدید عهد بایستی از سوی شمعون در زمان به قدرت رسیدن وی در سال ۱۴۲ ق.م درخواست شده باشد (۴۱:۱۳)، تاریخ پاسخ رومی‌ها (۱۶:۱۵) توسط نومنیوس (آیه ۲۴). مراحل مختلف آن در جریان روایت، درست تقسیم بندی نشده است. ر.ک. ۱۶:۱۵، توضیح.

p. مانند ۵۴:۱۰، نویسنده ۱-مک فقط محتوای نامه را به روش خود می‌نویسد. در اسپارت «ارخونت‌ها» (Archontes) نبودند که به این قبیل امور می‌رسیدند بلکه «افورها» (Ephores).

q. در هم ریختگی بخش‌ها، ر.ک. آیه ۱۸.  
r. ر.ک. توضیح ۱۸:۱۵.

s. دنباله مطلب در ۱۵:۱۵ و ادامه آن خواهد آمد.

t. احتمالاً در صحن معبد، ر.ک. آیه ۴۸.

u. احتمالاً ۱۳ سپتامبر ۱۴۰ ق.م.

v. این تنها همزمانی بین دوران سلوکیان و سال‌های حکومت شمعون است.

w. آوانگاری احتمالی: حصار ام‌ال: «صحن قوم خدا»، نام صحن بیرونی معبد.

گردانید و یهودیانی در آنجا مستقر نمود و هر چه برای نگهداری آنها لازم بود در آنجا گذاشت. ۳۵ قوم، وفای شمعون و شکوهی را که تصمیم گرفته بود برای ملتش فراهم کند دیدند و (یهودیان) رهبری و کهنات اعظم وی را برای آنچه کرده بود و برای عدالت و وفائی که نسبت به ملت حفظ نموده بود و از آنجا که در صدد برآمده بود به هر وسیله قوم خود را برافزاید، برقرار داشتند. ۳۶ در این روزها همه چیز در دست های وی به موقوفیت رسید تا جائی که دست های بیگانگان، همچنین کسانی را که در شهر داود در اورشلیم بودند و آنجا را قلعه ای ساخته بودند که از آن عملیات خروجی را انجام می دادند و اطراف مکان مقدس را آلوده می کردند و به طور زننده<sup>d</sup> بی حرمتی به قدسش روا می داشتند، کوتاه کرد. ۳۷ در آنجا سربازان یهودی گماشته برای امنیت کشور و شهر آن را مستحکم گردانید و حصار اورشلیم را مرتفع کرد.

۳۸ بدین دلیل، دیمیتریوس پادشاه، سلطنت کهناتی<sup>e</sup> وی را تأکید کرد، ۳۹ وی را یکی دوستان خود نموده او را به افتخاراتی بزرگ مفتخر<sup>f</sup> داشت. ۴۰ در واقع دانسته بود که رومیان یهودیان را دوست،

۲۸ در انجمن بزرگ کاهنان، قوم، زعمای ملت و مشایخ کشور<sup>x</sup> این را به ما گوشزد کرده اند: ۲۹ به هنگام جنگ های بی شماری که در کشور روی می داد، شمعون پسر متیاس از دودمان پسران یواریب و برادرانش با خطر روبه رو شدند و علیه دشمنان ملت<sup>y</sup> خود برخاستند تا مکان مقدس و تورات آنان محفوظ بماند و آنان ملت خود را به افتخاری<sup>z</sup> بزرگ برجسته نمودند. ۳۰ یوناتان، ملت خویش را گرد آورده کاهن اعظم ایشان گردید و بعد آنان را با افراد خود متحد ساخت<sup>a</sup>. ۳۱ دشمنان یهودیان می خواستند کشورشان را تصرف نمایند و بر مکان مقدس آنان دست گذارند. ۳۲ آنگاه شمعون برخاست و برای ملت خود جنگید و بسیار از ثروت شخصی خود خرج کرد، برای مردان شجاع ملت خود اسلحه تهیه دید و به آنان مزد داد<sup>b</sup>.

۳۳ شهرهای یهودیه و همچنین بیت صور، شهر مرزی یهودیه را که در گذشته سلاح های دشمن در آنها یافت می شد مستحکم گردانید و پادگانی یهودی در آنجا مستقر کرد. ۳۴ یافا را که در کنار دریا بود، جازر را در حواشی اشدود که در گذشته دشمنان<sup>c</sup> ساکن آنجا بودند مستحکم

- X. مجمع عمومی؛ مجمع روایت شده در ۳۵:۱۲ مجمع محدودتری بوده است.  
 Y. در کنار ویژگی سبک عبری که در پاره ای موارد دیده شده است، ۱- مک همان گونه که در اینجا دیده می شود از سبک فرمان های افتخار شهرهای یونان پیروی می کند، ر.ک. آیه ۳۲: او قسمت بزرگی از اموال خود را خرج کرد.  
 Z. به افتخاری بزرگ مفتخر نمودند، سبک سامی: ر.ک. آیه ۳۹ و ۴۲:۱۱.  
 a. سبک عبری: ر.ک. پید ۲۹:۴۹.  
 b. ارتش دائمی جایگزین ارتش داوطلب می شود.  
 c. تحت اللفظی: که در گذشته دشمنان در آن ساکن بودند، ساختار عبری.  
 d. تحت اللفظی: ضربه بزرگ زدن، سبک عبری: ر.ک. ۲۲:۷.  
 e. تأکید مجدد بر ارتباط شمعون با مقامات سلوکی.  
 f. تحت اللفظی: وی را به افتخاری بزرگ مفتخر گردانید، ر.ک. آیه ۲۹.

استراتژی و اتنارکی یهودیان و کاهنان، و در رأس همه<sup>۱</sup> بودن وی را پسند افتاد. «<sup>۴۸</sup> دستور داده شد این (متن) را بر الواح مفرغین نقر کرده آنها را در صحن مکان مقدس<sup>m</sup> در جایی مناسب که دیده شود بگذارند. <sup>۴۹</sup> و نسخه ها را در «خزانه» نهند تا در اختیار شمعون و پسرانش باشد.

### نامه آنتیوخوس هفتم به شمعون

۱۵<sup>۱۱</sup> آنتیوخوس<sup>n</sup>، پسر دیمیتریوس پادشاه نامه ای از جزایر دریا به شمعون، کاهن و اتنارک یهودیان و همه ملت فرستاد. <sup>۲</sup> نامه دارای مضمون زیر بود: «از آنتیوخوس پادشاه به شمعون، کاهن اعظم و اتنارک و به ملت یهود، درود! <sup>۳</sup> چون برخی طاعون زدگان متصرف قلمرو پدران ما شده اند و شنیده ام مدعی مالکیت قلمرو گشته اند، تا همان گونه که در گذشته بود، ساکن آنجا گردند، تعداد بی شماری از گروه های بیگانه را جمع و کشتی های جنگی را تجهیز کرده ام<sup>۴</sup> و می خواهم (از راه دریا) وارد خشکی شده تا آنانی را که سرزمین ما را ویران کرده و شهرهای بی شمار از قلمرو مرا نابود کرده اند تعقیب

متحد و برادر<sup>g</sup> می خوانند و با تشریفات سفیران شمعون را پذیرفته بودند. <sup>۴۱</sup> و یهودیان و کاهنان تصمیم گرفته بودند که شمعون رهبر و کاهن اعظم ابدی ایشان گردد تا زمانی که یک نبی در خور ایمان<sup>h</sup> برخیزد. <sup>۴۲</sup> و استراتژی ایشان گردد که مراقبت از مکان مقدس را داشته کسانی را که باید به کارهای اداری سرزمین، تسلیحات و استحکامات برسند منصوب کند. <sup>۴۳</sup> [مراقبت مکان مقدس را داشته<sup>i</sup>]، همه از وی اطاعت و همه احکام در کشور به نام وی نوشته شود و خود او جامه ارغوان با تزئینات طلائی در بر کند. <sup>۴۴</sup> هیچ کس از قوم و از میان کاهنان مجاز نیست یکی از مواضع وی را رد کرده به دستورهائی که داده است اعتراض کند و نه در کشور انجمنی بدون اجازه بر پا دارد، نه جامه ارغوان در بر کند یا سنجاق طلائی بر سینه زند. <sup>۴۵</sup> هر کس با تصمیم های وی مخالفت کند یا یکی از آنها را زیر پا گذارد مستوجب عقوبت<sup>k</sup> خواهد بود. <sup>۴۶</sup> همه قوم را پسند آمد که حق عمل کردن برابر اختیارات به شمعون اعطاء شود. <sup>۴۷</sup> شمعون پذیرفت و اعمال کهانت سلطنتی و

g. تأکید عبارتی، زیرا اجتماع اصلی فقط توسط اسپارتیان دعوت شده بود، ۲۱:۱۲.

h. مانند ۴۶:۴ تصمیم نهایی مشروط به آمدن یک نبی شده است، ر.ک. قواعد قمران ۱۱:۹ و یو:۲۱-۲۵، ۱۴:۶، ۴۰:۷. آیا شمعون به عنوان کاهن اعظم توسط داوطلبان اونیا مورد اعتراض واقع شده بود یا عمل آن زمان او حقوق اعقاب داود را مخدوش می ساخت؟

i. برای عدم تکرار آیه قبلی.

j. ر.ک. ۸۹:۱۰، ۵۸:۱۱، اینجا تحت اللفظی: سنجاق، زدن سنجاق، سبک عبری.

k. اصطلاح کتاب مقدس: ر.ک. لاو ۲۰:۹ و غیره.

l. سمت شمعون ناشی از پایه های قدرت اوست: سنت (کاهن اعظم)، احترام به سلطنت سلوکیان (استراتژی)، ملت (اتنارک). اعمال قدرت بر کاهنان شاید به خاطر وفاداری دائمی به اونیا تأکید گردیده است.

m. در زیر رواق هایی که گردشگاه های معمولی بود.

n. آنتیوخوس هفتم سیدت (Sidètes) (۱۲۹-۱۳۸) در رودس متوجه اسارت برادرش دیمیتریوس دوم شد.

هنگام فرارش از راه دریا به «دورا»<sup>۴</sup> وارد شد<sup>۱۲</sup> زیرا می دانست که بدبختی ها بروی جمع شده و لشکریان رهایش کرده اند. <sup>۱۳</sup> آنتیوخوس با صد و بیست هزار جنگجو و هشت هزار سوار در نزدیکی دورا موضع گرفت. <sup>۱۴</sup> شهر را محاصره کرد و درحالی که کشتی ها از طرف دریا حمله می کردند، وی نیز از زمین و دریا بر شهر فشار می آورد و نگذاشت یک تن داخل و خارج شود.

### بازگشت نمایندگان اعزامی یهود از روم و تجدید عهدنامه

<sup>۱۵</sup> نومنیوس و همراهانش<sup>u</sup> از رم با نامه هائی برای پادشاهان و کشورها وارد شدند که در آنها چنین نوشته بودند: <sup>۱۶</sup> «از لوجیوس<sup>v</sup>، کنسول رومیان به بطلمیوس پادشاه، درود! <sup>۱۷</sup> سفیران یهود چون دوست و متحد برای تجدید دوستی و اتحاد گذشته از سوی شمعون کاهن اعظم و ملت یهود به نزد ما آمدند. <sup>۱۸</sup> آنان با خود یک سپر طلائی<sup>w</sup> هزار قنطاری آورده اند <sup>۱۹</sup> لذا ما را خوشایند بود به پادشاهان و کشورها بنویسیم در صدد آزار<sup>x</sup> آنان بر نیابند، با آنان نجنگند، نه با شهرشان،

کنم. <sup>۵</sup> لذا حالا همه خراج هائی را که پادشاهان سلف به من بخشوده اند و همه دیگر (خراج ها) را که در باره تو موافقت کرده اند<sup>o</sup> تأیید می کنم. <sup>۶</sup> به تو اجازه می دهم که با نقش خود به ضرب سکه<sup>p</sup> اقدام کنی که در کشورت رایج باشد؛ <sup>۷</sup> اورشلیم و مکان مقدس آزاد باشند و همه سلاح هائی را که فراهم آورده و دژهای را که بنا کرده ای و اکنون در اشغال داری برایت بماند<sup>q</sup>. <sup>۸</sup> و آنچه به خزانه پادشاهی بدهکاری و آنچه باید پردازی از هم اکنون و برای همیشه به تو بخشوده می شود. <sup>۹</sup> و هنگامی که قلمرو خود را به تصرف درآوریم، ملت تو و معبد را به افتخاراتی عظیم مفتخر داریم به نحوی که افتخار تو در سراسر زمین نمایان خواهد شد.»

### آنتیوخوس هفتم، تریفون را در «دورا» محاصره می کند

<sup>۱۰</sup> سال صد و هفتاد و چهارم<sup>r</sup>، آنتیوخوس به سوی کشورهای پدران<sup>s</sup> حرکت کرد و همه گروه ها به وی پیوستند به طوری که تعداد اندکی با تریفون باقی ماندند. <sup>۱۱</sup> آنتیوخوس به تعقیب وی پرداخت و وی

o. معافیت مالیاتی به صورت تلویحی شامل نام هایی می شد که منضم به یهودیه بوده اند.

p. این امتیاز دیری نپایید که سالانه گردید. (آیه ۲۷)

q. ر. ک. ۳۱:۱۰. در اینجا یهودیه، قلمرو اورشلیم، از این امتیاز برخوردارند.

r. در پاییز ۱۳۹ ق. م.

s. وی در بندر انطاکیه واقع در سلوکیه از کشتی پیاده شد.

t. در جنوب کرمل، ر. ک. یوشع ۲:۱۱ و غیره.

u. ادامه ۲۴:۱۴.

v. لوجیوس متلوس (Lucius Metellus) که به بطلمیوس هفتم فیسکون (Physcon) مراجعه می کند، سال ۱۴۲ ق. م کنسول بود. این نامه در متن ۱-مکا در جای خود نیست، ر. ک. ۱۸:۱۴ توضیح.

w. این آیه در توضیح وزن خارق العاده ای است که در ۲۴:۱۴ ذکر شده است. این سپر طلائی هزار قنطار (= ۵۰۰ کیلوگرم) وزن نداشته بلکه به ارزش هزار قنطار نقره بوده است که معادل وزن ۴۴ کیلو طلا می شود.

x. اشاره به آزار و ایذاء ضد یهودی؟

واحدهایش را پیش رانده منجینتیق‌ها می‌ساخت، ترفون را به نحوی در محاصره گرفت که نه می‌توانست خارج و نه وارد شود.<sup>۲۶</sup> شمعون برایش دو هزار مرد برگزیده فرستاد تا در کنارش بجنگند، همچین نقره، طلا و موادی قابل توجه.<sup>۲۷</sup> اما وی نخواست بپذیرد و افزوده بر این، آنچه را در گذشته با وی قرار گذاشته بود ابطال کرده با وی به بیگانگی رفتار کرد.<sup>۲۸</sup> وی اتنوبوس یکی از دوستانش را برای ابلاغ (مطالب) زیر به نزدش فرستاد: «تویافا، جازر و قلعه اورشلیم، شهرهای قلمرو مرا اشغال می‌کنی.<sup>۲۹</sup> سرزمین آنها را ویران کرده‌اید، به کشور زبان<sup>e</sup> بسیار رسانده و خود را ارباب مناطقی چندی از قلمرو<sup>f</sup> من کرده‌ای.<sup>۳۰</sup> پس حال، شهرهایی را که اشغال کرده‌ای و مالیات مناطق<sup>g</sup> خارج از مرزهای یهودیه را که خود را ارباب آنها ساخته‌ای تسلیم کن<sup>۳۱</sup> اگر نه به جای آنها پانصد تالان<sup>h</sup> دیگر نقره بده و برای

نه با کشورشان و با کسانی که با آنان می‌جنگند، متحد نشوند.<sup>۳۰</sup> همچنین تصمیم گرفتیم سپر را از ایشان بپذیریم.<sup>۳۱</sup> پس اگر طاعون‌زدگان از کشور خود به سوی شما گریختند آنها را به کاهن اعظم شمعون تسلیم کنید تا وی آنان را برابر قانون خود عقوبت کند.»

<sup>۳۲</sup> [لوچیوس] همان را به دیمیتریوس<sup>y</sup> پادشاه، به اتالس<sup>z</sup> و آریاراطیس<sup>a</sup> و ارساکس<sup>b</sup>،<sup>۳۳</sup> و به تمامی سرزمین‌ها<sup>c</sup>، به سامپسامه<sup>d</sup>، اسپارت، دلس، میندوس، سیکیون، کاری، سامس، پامفیلی، لیکیه، هالیکارناس، رودس، فازلیس، کوش، سیده، ارادوس، جرتینه، سنیده، قبرس، قیروان نوشت.<sup>۳۴</sup> نسخه‌ای از آن را برای شمعون کاهن اعظم نوشتند.

### بدگویی آنتیوخوس هفتم از شمعون

<sup>۳۵</sup> دیمیتریوس پادشاه در نزدیکی «دورا» موضع گرفت و در شهرک‌ها دائماً

y- روم هنوز از دستگیری وی توسط پارتیان بی‌اطلاع بود.

z- اتالس دوم پادشاه پرغاموس، ۱۵۹-۱۳۸ ق.م.

a- آریاراطیس پنجم پادشاه کپدوکیه، ۱۶۲-۱۳۱ ق.م.

b- ر.ک. ۲:۱۴، این نخستین اشاره به تماس بین دولت روم و پارت است.

c- این فهرست که نشان دهنده وضع سیاسی خاور نزدیک مقارن ۱۵۰ ق.م است، به صورت درهم نواحی مستقل با شهرهایشان را برمی‌شمارد: کاری با سنیده، هالیکارناس و کوش، لیکیه با فازلیس، پامفیلی در جنوب قلمرو پرغاموس و جزایر مستقل: دلس، ساموس، رودس، کرت و جرتینه، ارادوس با قلمرو قاره‌ای آن واقع در کرانه سوریه، و شهرهایی از قبیل: میندوس، که متعلق به پرغاموس است و شهرهای مستقل مانند سیکیون و سیده. روم مستقیماً با قبرس و قیروان، دست نشانندگان مصر که در آنجا تعداد زیادی یهودی زندگی می‌کردند سر و کار داشت.

d- بندر سامسون فعلی در کنار دریای سیاه که متعلق به پادشاهان پنطوس متفق روم بود و در اواخر قرن اول ق.م. در آنجا یک جامعه مهاجرنشین یهودی ساکن بود.

e- تحت اللفظی: شما ضربه مهمی زده‌اید. سبک عبری: ر.ک. آیه ۳۵، ۲۲:۷.

f- احتمالاً چهار نام منضم به یهودیه، ۱۱:۵۷.

g- چنین انشایی شاید به لحاظ حذف تکرار نام قبلی بوده است، ر.ک. آیه ۳۱.

h- معادل ۱۳۰۰۰ کیلو، مبلغی بسیار بالاتر از ۳۰۰ تالان یونانی که مالیات عادی بود (۲۸:۱۱). زیاده‌خواهی آنتیوخوس با آنچه قبلاً نوشته بود مغایرت داشت (آیه ۸) اما با شرایط درخواستی برادرش منطبق بود (۳۹:۱۳).

«اپی استراتژی<sup>k</sup> کرانه های دریا منصوب و لشکریان پیاده و سواره به وی داد!<sup>۱</sup> وی را وادار به گرفتن موضع در برابر یهودیه کرد، همچنین وی را ملزم به دوباره سازی قدرون، استحکام دروازه ها و جنگیدن بر علیه مردم نمود. آنچه پادشاه راست وی تریفون<sup>m</sup> را تعقیب کرد<sup>۴۰</sup> قندوباس با رسیدن به بینیا آغاز به تحریک قوم کرد تا یهودیه را محاصره نموده آنها را زندانی کند و به قتل رساند.<sup>۴۱</sup> وی قدرون<sup>n</sup> را بازسازی کرد و در آنجا سواران و لشکری برای اجرای عملیات خروج و درنوردیدن جاده های اورشلیم برابر آنچه پادشاه وی را فرمان داده بود، گمارد.

### پسران شمعون قندوباس را فراری می دهند

۱۶<sup>۱</sup> یوحنا از جازره<sup>o</sup> فراز آمده به پدرش شمعون از آنچه قندوباس مرتکب شده بود خبر داد.<sup>۲</sup> شمعون دو پسر ارشدش یهودا و شمعون را فرا خواند و به آنان گفت: «من، برادرانم و اهل بیت پدرم، نبرد بنی اسرائیل را از جوانی تا به این روز رهبری کرده دست های ما بارها موفق به رهایی اسرائیل شده است<sup>۳</sup> اما اکنون سالخورده ام و شما به رحمت<sup>p</sup> او برومند هستید، جای مرا و جای برادرانم را بگیریید

خرابی هائی که به بارآورده اید و برای مالیات شهرها پانصد تالان دیگر، والا آمده با تو خواهیم جنگید.»<sup>۳۲</sup> (به محض) رسیدن به اورشلیم، اتنوبیوس دوست پادشاه، از دیدن شکوه شمعون، طاقچه ای با ظروف زرین و سیمین، و تعداد بی شمار خادم شگفت زده شد. سخنان پادشاه را به اطلاعش رساند.<sup>۳۳</sup> شمعون در پاسخ به وی گفت: «این سرزمین بیگانه نیست که ما تصرف کرده ایم و نه اموال دیگری را تصاحب نکرده ایم، بلکه این میراث پدران ماست، که زمانی<sup>۱</sup> دشمنان ما به ناحق تصاحب کرده بودند.<sup>۳۴</sup> آنچه ما راست با غنیمت شمردن فرصت، میراث پدرانمان را دوباره پس می گیریم.<sup>۳۵</sup> درباره یافا و جازر که از آنها می گوئی، باعث زیان بسیار به قوم ما بوده است و کشور ما را ویران کرده است، برای آنها صد تالان خواهیم پرداخت.»

<sup>۳۶</sup> (اتنوبیوس) یک کلام نیز پاسخ نداد اما خشمگین به نزد پادشاه بازگشت و او را از این سخنان و از شکوه شمعون و آنچه دیده بود باخبر کرد. پادشاه به خشمی شدید فرو شد.

**بدرفتاری قندوباس حاکم در یهودیه**  
<sup>۳۷</sup> تریفون، به کشتی نشسته به اورتسیا<sup>j</sup> گریخت.<sup>۳۸</sup> پادشاه، قندوباس را به

i. چنین به نظر می رسد که مشروعیت قدرت سلوکی مورد اعتراض بود.

j. بین طرابلس و رود الوتر روایت شده در ۳۰:۱۲.

k. نوعی فرمانداری کل.

l. در مورد این استان ر. ک. ۵۹:۱۱ و ۲-مک ۲۴:۱۳

m. وی که در شهر زادگاهش آپامئا در حلقه محاصره قرار گرفته بود خودکشی کرد یا به قتل رسید.

n. امروزه «قدرا» نامیده می شود که در ۶ کیلومتری بینیا و ۲۵ کیلومتری مودین واقع است.

o. محل سکونت وی، ۵۳:۱۳.

p. تحت اللفظی: به رحمت، منظور آسمان است: ر. ک. ۱۸:۳.

## قتل شمعون.

یوحنا پسرش جایگزین وی می شود<sup>۱۱</sup> بطلمیوس پسر ابوبوس<sup>t</sup> به سمت استراتژ دشت اریحا منصوب<sup>u</sup> شده بود. وی مقدار زیادی طلا و نقره داشت<sup>۱۲</sup> زیرا داماد کاهن اعظم بود.<sup>۱۳</sup> قلبش به اهتزاز<sup>v</sup> درآمد: خواست کشور را متصرف شود و علیه شمعون و پسرانش نقشه خائنانه ای برای نابودی آنها می کشید.<sup>۱۴</sup> در این هنگام، شمعون که شهرهای کشور را درمی نوردید و به امور اداری آنها می رسید به اریحا فرود آمد، وی و پسرانش متیاس و یهودا به سال صد و هفتاد و هفت ماه یازدهم که ماه شباط<sup>w</sup> است.<sup>۱۵</sup> پسر ابوبوس خائنانه در دژ<sup>x</sup> کوچک خود به نام دُک که خود ساخته بود آنها را پذیرفت و برایشان ضیافت بزرگی داد. وی مردانی در آنجا مخفی کرده بود،<sup>۱۶</sup> و وقتی شمعون و پسرانش مست شدند، بطلمیوس با مردانش برخاسته، اسلحه آنها را گرفت و در تالار ضیافت بر شمعون افتاده وی، دو پسر و برخی از خدمتگزارانش را به قتل رساندند.<sup>۱۷</sup> او مرتکب بی شرمی عظیمی گردید و نیکی را به بدی پاسخ داد.<sup>۱۸</sup> بطلمیوس با نوشتن شرح ماجرا به پادشاه از وی درخواست کرد لشکریانی برای کمک فرستاده و کشور و شهرهای

و برای نبرد ملت ما بروید، باشد که از آسمان یاری برای شما برسد.»<sup>۴</sup> در کشور بیست هزار جنگجو و آسواران برگزیده، علیه قندوباس به راه افتادند و شب را در مودین به سر آوردند.<sup>۵</sup> صبح زود<sup>q</sup> برخاسته، به سوی دشت پیش راندند و اینک لشکریانی انبوه از سواره و پیاده به مقابله آنها در آمدند. بین آنها مسیلی<sup>r</sup> فحائل بود.<sup>۶</sup> یوحنا در برابر آنها موضع گرفت، وی و لشکرش. با دیدن این که لشکر برای گذر از مسیل هراس دارد، اول وی رد شد و هنگامی که مردانش این دیدند از پشت سر وی رد شدند.<sup>۷</sup> لشکر را قسمت کرد، سواران را در میانه پیاده نظام نهاد زیرا سواران<sup>s</sup> دشمن بسیار زیاد بودند.<sup>۸</sup> در کرناها دمیدند، و قندوباس با ارتش خود پا به فرار گذاشت و بسیاری از میان آنها زخم مهلک برداشتند و بازماندگان رو به دژ گریختند.<sup>۹</sup> در این زمان بود که یهودا برادر یوحنا زخمی شد، اما یوحنا آنها را تعقیب کرد تا این که قندوباس به قدرون که خود آن را بازسازی کرده بود رسید.<sup>۱۰</sup> دشمنان تا برج هائی که در دشت اشدود است گریختند و یوحنا آنها را آتش زد. از میان آنها حدود دو هزار مرد در غلطیدند. سپس یوحنا به سلامت به یهودیه بازگشت.

q. سبک عبری: ر.ک. ۵۲:۴.

r. وادی قدرا.

s. نخستین اشاره به نیروی سواره نظام حسیدیان.

t. شاید اصل این نام عربی باشد.

u. احتمالاً از سوی شمعون.

v. سبک عبری: ر.ک. ۳:۱.

w. واژه آکادی شباط ممکن است بعدها آرامی شده باشد که در زکریا ۷:۱ آمده، برابر ماه فوریه ۱۳۴ ق.م.

x. بر قله کوه قرنطیه مشرف بر اریحا.



مردانی را که برای نابودی وی آمده بودند گرفتار و به قتل رسانید زیرا دانسته بود که در صدد نابودی وی برآمده اند.

<sup>۲۳</sup> اما آنچه را درباره بقیه اعمال یوحنا، جنگ هایش، عملیاتی که به انجام رسانید، حصارهایی که بنا کرد<sup>z</sup> و کارها و اعمالش<sup>a</sup> باید گفت<sup>۲۴</sup> اینک همه در سالنامه های<sup>c</sup> سلطنت کهنانتی وی، از روزی که به جای پدرش، کاهن اعظم گردید نوشته<sup>b</sup> شده است.

[یهودیان] را تسلیم وی کند.<sup>۱۹</sup> مأمورین دیگری به جازر فرستاد تا یوحنا را نابود و با نامه از «شیلبارک ها»<sup>۱</sup> درخواست کرد برای دریافت نقره و طلا و هدایا به نزدش بشتابند.<sup>۲۰</sup> گروه دیگری فرستاد تا اورشلیم و کوه معبد را اشغال کنند<sup>۲۱</sup> اما یکی از آنها ابتکار عمل را به دست گرفته آمده به یوحنا در جازر خبر داد که پدر و برادرانش از بین رفته اند، وی افزود: «یکی را هم برای کشتن تو فرستاده اند.»<sup>۲۲</sup> با این خبر یوحنا از خود بی خود گردید.



- y- شیلبارک یا فرمانده، معمولاً فرمانده گروه هزار نفری، ر.ک. ۵۵:۳.  
 z- مرمت حصار اورشلیم که توسط آنتیوخوس هفتم پس از تسلیم شهر تخریب شده بود.  
 a- یادآوری ۲۲:۹.  
 b- اصطلاح کتاب مقدسی: ر.ک. ۲-توا ۲۷:۷ و غیره.  
 c- کتاب روزانه، شکل خلاصه اصطلاح عبری «کتاب وقایع روزانه»، ۱-توا ۱۴:۲۹.